**آثار و بركات امام حسین(علیه السلام) – در دو قسمت**

**قسمت اول :**

**نويسنده:عليرضا رجالى تهرانى**

**• بخش اول: آثاروبركات فردى سيدالشهدا(علیه السلام)**

**• بخش دوم: آثاروبركات اخلاقى،تربيتى سيدالشهدا(علیه السلام)**

**• بخش سوم: آثاروبركات سياسى،اجتماعى سيدالشهدا(علیه السلام)**

**• بخش چهارم: آثاروبركات زيارت سيدالشهدا(علیه السلام)**

**• بخش پنجم: آثار و بركات مرقد شريف سيدالشهدا(علیه السلام)**

**• بخش ششم: آثار و بركات تربت پاك سيد الشهدا(علیه السلام)**

**• بخش هفتم: آثاروبركات عزادارى وگريه برسيدالشهدا(علیه السلام)**

**بخش اول :آثار و بركات فردى سيدالشهداء (علیه السلام)**

**1- چراغ هدايت و كشتى نجات‌**

**من آن نورم كه در شبهاى تاريك**

**چراغ رهنماى كاروانم**

**در اين دريا منم آن ناخدايى‌**

**كه كشتى را به ساحل مى‌رسانم‌**

**روايت شده كه امام حسين (ع) فرمود: «خدمت رسول خدا (ص) شرفياب شدم در حاليكه ابى بن كعب هم آنجا بود. حضرت رسول اكرم (ص) فرمود: مرحبا به تو ، اى ابا عبدالله ، اى زينت آسمانها و زمين . ابى گفت : چگونه او زينت آسمانها و زمين است در صورتى كه كسى غير از تو چنين نيست؟ حضرت فرمود: اى ابى ، قسم به كسى كه مرا به حق به نبوت مبعوث كرد، حسين بن على در آسمان بزرگتر از روى زمين است، و همانا بر طرف راست عرش الهى نوشته شده است كه او چراغ هدايت و كشتى نجات است » . 1**

**يكى از بركات فردى حضرت سيدالشهدا (ع) اين است كه او «چراغ هدايت» و «كشتى نجات» است . اگر چه همه پيامبران و امامان (ع) چراغها و انوار هدايت و كشتيهاى نجات و رهايى اند، چنانكه پيامبر اسلام (ص) فرمود: «انما مثل اهل بيتى فيكم كمثل سفينة نوح من دخلها نجا، و من تخلف عنها هلك» .2**

**همانا خانداون و اهل بيت من در ميان شما مانند كتشى نوح است كه هر كس داخل آن شود نجات پيدا كرده و هركس كه از آن تخلف كند هلاك خواهد شد.**

**اما كشتى نجات حسين (ع) حركتش بر امواج توفنده و گسترده دريا، سريعتر و لنگر انداختن و پهلو گرفتن آن بر ساحلهاى نجات آسانتر بوده و دايره بهره‌ورى و استفاده از نور مشعل وجود حسين (ع) وسيعتر است .**

**در آن زمانى كه امواج بلند و سهمگين فساد و گناه بر پيكره نيمه‌جان جامعه اسلامى، و جان و دل مسلمانان، تازيانه مرگ مى زد و گرداب حوادث و توطئه‌ها و پليديها، خفتگان در بستر غفلت را بى‌رحمانه به قعر تاريكى و تباهى مى كشيد ، اين حسين بود كه با قيام و نهضت الهى خود و شهادت و اسارت اهل بيت خويش ، گرفتاران در اين اوضاع خطرناك را از درياى پر تلاطم ساخته شده به دست فتنه‌گر «بنى اميه» نجات بخشيد و با كشتى رهايى خود ، اين خفتگان و غافلان و گرفتاران را به ساحل نجات رهنمون نمود.**

**آرى ، حسين (ع) «مصباح الهدى » است تا در اين ظلمتكده خاك، دليل و راهنماى راه باشد؛ و «سفينة النجاة» است تا در اقيانوس متلاطم فتنه‌ها و ضلالتها، غرق شدگان را كه كشتى شكسته بودند فرياد رس باشد.**

**اى كه مصباح هدايت هستى و فلك نجات‌**

**از چه با اين اشكها ايجاد طوفان مى كنى؟**

**زنده در قبر دل ما بدن كشته تو است**

**جان مايى و ترا قبر حقيقت دل ماست**

**2- محبت مكنون**

**از جمله احاديث نبوى كه در واقع بيانگر تأثير پذيرى معنوى مردم از وجود مبارك سيدالشهداء (ع) مى‌باشد، حديثى است كه فرمود:**

**«ان للحسين محبة مكنونة فى قلوب المؤمنين ». 3**

**در كانون دلهاى مؤمنين ، محبتى نهفته و ويژه نسبت به حسين وجود دارد.**

**كيست كه نام حسين (ع) را بشنود و فردى از افراد بشر يا تنى از اولاد انسان باشد و حالت انقلاب و انكسار و دلباختگى براى او فراهم نشود؟ محبت حسين (ع) دلها را به التهاب در آورده و جگرها را گداخته و مذاب مى‌سازد، و شورش دل و آتش درون را به ريزش قطرات اشك از ديدگان ، آشكارا و عيان مى‌كند.**

**در كجاى دنيا ديده مى شود كه شيعه و دوستدار حسين در آنجا باشد و اقامه عزاى حسينى نكند . كيست كه پس از دادن عزيزترين محبوب و مطلوب خود به اندك فاصله و مختصر وقت و گذشتن كمتر زمانى، آن مصيبت را فراموش نكند؛ جز مصيبت حسين (ع) كه با اين همه طول زمان و گذشتن قرنها، روز به روز اين مصيبت تازه‌تر و شور و شراره‌اش بيشتر و بلندتر مى‌گردد. آيا نه اين، جذبه عشق و علاقه و تأثير محبت و فرط دلبستگى و دلباختگى علاقه‌مندان نسبت به آن امام محبوب است؟**

**و اى بسا ، نامحرمان در برابر عظمت و جلالت حسينى تسليم شده و به تواضع و تكريم در مقابل نام مبارك حسين و جلال و مقام او قد خويش به تعظيم و تسليم خم نموده و به دين و آيين حسينى گراييده و از اكسير محبت او مس خود را طلاى ناب و زر خالص مى‌گردانند.**

**براستى، سنت الهى چنين بوده كه محبت امامى كه مسير تاريخ را عوض كرده و دين الهى را نجات مى بخشد به گونه‌اى خاص در دل و جان مسلمين و مؤمنين قرار گيرد، حتى كسانى كه مقابل حسين (ع) قرار گرفتند به قول فرزدق : «دلهايشان با او بود، اگر چه بر اثر دنيا پرستى شمشيرهايشان بر روى او كشيده شد» . چه رسد به مؤمنينى كه عشق و محبت او با گل آنان سرشته شده است .**

**حتى محبت حسين (ع) در دل و جان رسول اكرم (ص) نيز ريشه دوانيده بود، به طورى كه مى فرمود: «هر گاه كه به فرزندم حسين مى‌نگرم ، گرسنگى و اندوه از وجودم رخت بر مى‌بندد» .4 و نيز مى فرمود: «بار خدايا ، من حسين را دوست دارم و آنان كه دوستدار او هستند نيز دوست دارم ». 5**

**راه حسين (ع) راه دل است، و هرگاه عاشقى به دل توجه كند او را پيدا مى‌كند . لذا در برخى روايات وارد است كه : «قبر او در دلهاى دوستداران اوست».**

**سلام از دور و از نزديك بهر او بود يكسان‌**

**بلى قبر شريف او دل اهل يقين باشد**

**آرى، دل مؤمن جايگاه تابش نور پر فروغ و احياگر حسين است . و هرگاه عشق و محبت فراتر از آفاق ظاهرى و مادى باشد ، رنگ ابديت به خود مى‌گيرد، زيرا پيوند اين محبت در حريم حب خدا بوده است و بقاى آن به بقاى فيض ذات سرمدى، جاودانه است ، كه گفته‌اند:**

**اين محبت راز محبتها جداست**

**حب محبوب خدا حب خداست.**

**شاهى كه نه سپهر از او برقرار شد**

**ماهى كه مهر و ماه از او كسب نور كرد**

**3- سيدالشهدا (ع) ، پدر امامان نه گانه‌**

**يكى ديگر از بركات فردى سيدالشهدا (ع) كه از ارزش معنوى بسيارى برخوردار است ، اين است كه نه امام معصوم (ع) بعد از او از فرزندان گرامى آن حضرت مى‌باشند ، و نسل امامان به بركت وجود او ادامه يافت . چنانكه از امام باقر و امام صادق (ع) روايت شده است كه فرمودند: «خداوند عوض قتل امام حسين (ع) چهار ويژگى به آن حضرت عطا فرموده است : اول - امامت را در ذريه او قرار داده است، دوم - شفا را در تربت آن جناب قرار داده، سوم - كنار و زير قبه او دعا مستجاب مى‌باشد، چهارم - ايام زيارت كنندگان او از عمرشان حساب نمى‌شود». 6**

**از طرفى در روايات بر اين امر تصريح شده كه على بن الحسين (ع) بعد از پدر به امامت رسيده است . چنانكه عبدالله بن عتبه روايت كرده: خدمت امام حسين (ع) بودم كه پسر كوچكترش «على» وارد شد. (يعنى حضرت سجاد (ع) كه از على اكبر كوچكتر بوده است . و اين واقعه قبل از تولد على اصغر مى‌باشد). تا آنجا كه مى‌گويد: عرض كردم : اگر آن امرى كه از آن به خدا پناه مى‌برم اتفاق افتاد ، به چه كسى رجوع كنيم؟ (يعنى امام بعد از شما كيست؟) فرمود: به اين پسرم : على ، او امام و پدر امامان است ...» 7.**

**روايت در اين زمينه زيادتر از آن است كه در اين مختصر بدانها پرداخته شود، ضمن اينكه ادامه امامت از ذريه امام حسين (ع) به خاطر مشهور بودن آن ، نيازى به استدلال روايى بيشتر از آنچه ذكر شده، ندارد.**

**بارى ، استمرار خط مستقيم و هدايتگر امامت به بركت وجود مقدس سيدالشهدا (ع) است، و اين از بزرگترين بركتهاى فردى و معنوى آن حضرت است .**

**او شفيع است اين جهان و آن جهان‌**

**اين جهان در دين و آنجا در جنان‌**

**4- شفاعت**

**يكى ديگر از آثار و بركات فردى سيد الشهداء (ع) كه در نزد شيعيان اهميت و جايگاهى خاص دارد شفاعت در آخرت است .**

**شفاعت از ماده «شفع» به معنى ضميمه كردن چيزى به همانند اوست، و از اينجا روشن مى شود كه بايد نوعى شباهت و همانندى در ميان آن دو بوده باشد، هر چند تفاوتهايى نيز در ميان آنها ديده شود . به همين دليل، شفاعت به مفهوم قرآنى آن بدين معنى است كه : انسان گنهكار به خاطر پاره‌اى از جنبه‌هاى مثبت (مانند ايمان يا انجام بعضى از اعمال شايسته) شباهتى با اولياى الهى پيدا كند و آنها با عنايت و كمك‌هاى خود ، او را به سوى كمال سوق دهند و از پيشگاه خدا تقاضاى عفو كند. و به تعبير ديگر حقيقت شفاعت، قرار گرفتن موجودى قويتر و برتر، در كنار موجودى ضعيفتر، و يارى رساندن به او براى پيمودن مراتب كمال است .**

**شفاعت در جوامع انسانى غالباً همان پارتى بازى و استفاده از رابطه است . اما شفاعت مورد نظر در قرآن كريم و روايات اسلامى، متوجه شايستگى‌هاى افراد است نه روابط شخصى بين شفاعت كننده و شفاعت شونده.**

**شفاعت اقسامى دارد كه برخى از آنها نادرست و ظالمانه است و در دستگاه الهى وجود ندارد، ولى برخى صحيح و عادلانه است و وجود دارد. شفاعت غلط بر هم زننده قانون و ضد آن است، ولى شفاعت صحيح حافظ و تأييد كننده قانون است . شفاعت غلط آن است كه كسى بخواهد از راه پارتى بازى جلوى اجراى قانون را بگيرد. برحسب چنين تصوراتى از شفاعت، مجرم بر خلاف خواست قانونگذار و بر خلاف هدف قوانين اقدام مى‌كند و از راه توسل به پارتى بر اراده قانونگذار و هدف قانون چيره مى‌گردد. اينگونه شفاعت، در دنيا ظلم است و در آخرت غير ممكن . ايرادهايى كه بر شفاعت مى‌شود بر همين قسم از شفاعت وارد است، و اين همان است كه قرآن كريم آن را نفى فرموده است .**

**شفاعت صحيح، نوعى ديگر از شفاعت است كه در آن نه استثنا و تبعيض وجود دارد و نه نقض قوانين و نه مستلزم غلبه بر اراده قانونگذار است . قرآن اين نوع شفاعت را صريحاً تأكيد كرده است كه اين نيز بر دو قسم‌**

**است :**

**1- شفاعت «رهبرى» يا شفاعت «عمل».**

**2- شفاعت «مغفرت» يا شفاعت «فضل».**

**نوع اول شامل نجات از عذاب و نيل به حسنات و حتى بالا رفتن درجات مى‌باشد، و نوع دوم شفاعتى است كه تأثير آن در از بين بردن عذاب و در مغفرت گناهان است، و حداكثر ممكن است سبب وصول به حسنات و ثوابها هم بشود ولى بالا برنده درجه شخص نخواهد بود.**

**با توجه به آنچه به طور اجمال در خصوص شفاعت گفته شد، لازم به ذكر است كه يكى از شفاعت كنندگان از اهل بيت ، حضرت سيدالشهدا (ع) است، ولى آن حضرت شفيع كسانى است كه از مكتب او هدايت يافته‌اند، نه شفيع كسانى كه مكتبش را وسيله گمراهى ساخته‌اند.**

**قرآن و مكتب حسينى ريسمانهايى هستند كه قدرت دارند بشر را از چاه نگون بختى به اوج سعادت بالا برند: يكى «حبل من الله» و دومى «حبل من الناس » است؛ ولى اگر كسى از اين دو حبل الهى سوء استفاده نمود، جرم از ريسمان نيست، علت اين است كه او در سر سوداى بالا رفتن نداشته است، و البته چنين مردمى به وسيله قرآن و مكتب حسينى به قعر دوزخ برده مى‌شوند. 8**

**شفاعت به معنى وسيع كلمه ، در هر سه عالم (دنيا ، برزخ و آخرت) صورت مى‌پذيرد ، هر چند محل اصلى شفاعت و آثار مهم آن در قيامت و براى نجات از عذاب دوزخ است ، از اين رو سيدالشهداء هم در دنيا ، هم در برخ و هم در آخرت شفيع دوستداران و شيعيان حقيقى‌اش بوده و خواهد بود.**

**چنانكه در روايتى از اميرالمؤمنين (ع) آمده است : «براى ما شفاعت است و براى دوستان ما نيز شفاعت است » .9 و در روايتى ديگر آمده است : «شافعان امامان هستند و دوستان مؤمنانند» 10.**

**و معلوم است كه امام حسين (ع) يكى از امامان معصوم بوده كه در قيامت و محشر كبرى از شيعيان و دوستانش شفاعت مى كند . بطورى كه يكى از روايان گويد: روايتى از قول ابى عبدالله الحسين (ع) به من رسيده بود كه آقا فرموده است : «هر كس پس از مرگ من مرا زيارت كند، پس از مرگش من هم او را زيارت مى نمايم» . اين روايت در ذهن من بود، تا اينكه شبى در عالم واقع ابى عبدالله الحسين (ع) را ديدم ، گفتم : آقا اين روايت درست است و از شماست ؟ «قال : نعم، و لو كان فى النار اخرجته منها» فرمود: آرى ، هر چند در آتش باشد او را بيرون مى آورم. عرض كردم: آيا از اين به بعد اين روايت را بدون واسطه از خود شما نقل نمايم؟ فرمود:آرى . 11**

**به محشر كه كسى نيست غمخوار كس‌**

**شفيع محبان ، حسين است و بس‌**

**ترا ز باب حسينى برند جانب جنت‌**

**ترا كه عاشق اويى ، ترا كه شيعه اويى\***

**5- دوستداران حسين و دوستان دوستداران او بهشتى‌اند**

**يكى ديگر از آثار و بركات فردى سيد الشهدا (ع) كه در سراى ديگر ظهور كرده و جلوه‌نمايى مى‌كند، بهشتى شدن دوستداران و حتى دوستان و دوستداران آن حضرت است. چنانكه حذيفة بن يمان گويد: رسول خدا (ص) را ديدم كه دست حسين بن على (ع) را در دست خودگرفته بود و مى‌فرمود:**

**«يا ايها الناس، هذا الحسين بن على فاعرفوه ، فو الذى بيده ، انه لفى الجنة ، و محبه فى الجنة ، و محبى محبيه فى الجنة»12.**

**اى مردم ، اين حسين بن على است ، او را بشناسيد؛ سوگند به آن خدايى كه جانم به دست اوست، براستى او در بهشت است، و دوستدار او نيز در بهشت است ، و دوستدار دوستدار او نيز در بهشت مى‌باشد.**

**و از امام موسى بن جعفر (ع) روايت شده كه فرمود:**

**«رسول خدا (ص) دست حسن و حسين (ع) را گرفت و فرمود:**

**«هر كس اين دو پسر و پدر و مادر آنان را دوست داشته باشد، روز قيامت در درجه من با من خواهد بود» 13.**

**و نيز رسول خدا (ص) فرمود: «آگاه باشيد، همانا حسين (ع) درى از درهاى بهشت است، هر كس با او دشمنى كند خدا بوى بهشت را بر او حرام مى‌كند» 14.**

**و معلوم است كه اين مقام عظيم تنها با محبت ظاهرى حاصل نمى‌شود، بلكه مقصود، محبت خاصى است كه مخصوص كسانى مى‌باشد كه در درجات بالاى ايمان هستند. اگر چه دوستى و محبت امامان معصوم و امام حسين (ع) ثمر بخش است ولى احراز مقام والاى معيت بارسول خدا (ص) در بهشت برين ، محبتى فراتر از ظاهر مى‌طلبد.**

**بخش دوم: آثار و بركات اخلاقى - تربيتى سيد الشهداء (علیه السلام)**

**1- ايجاد اخلاق جديد در جامعه مسلمين‌**

**اگر ديدى كه نابينا و چاه است‌**

**اگر خاموش بنشنيى گناه است**

**يكى از آثار و بركات سيدالشهدا (ع) در بعد اخلاقى - تربيتى اين است كه قيام او باعث گرديد در جامعه مسلمانان نوعى اخلاق جديد بلند نظرانه پديد آيد و نظر انسان را به زندگى خود و ديگران، دگرگون سازد تا بتواند بدينوسيله جامعه را اصلاح نمايد . و به عبارت ديگر، با خودسازى به ديگر سازى نيز بپردازد.**

**آرى، در آن زمانى كه بنياد روانى و اخلاقى مردم در هم ريخته و ويران شده بود و اين ويرانى شامل رهبران مسلمين و بزرگان آنان نيز شده بود و با اخلاق و شيوه‌اى وحشتناك زندگى مى‌كردند ، امام حسين (ع) يگانه درمان آن حالت بيمار گونه را كه در مجتمع مسلمانان مورد قبول واقع شده بود، در قيام آشكار و فرياد درآن سكوت مرگبار ديد. لذا آن حضرت با خون پاك خود و فرزندان و يارانش و با همه اعتبارات احساسى و تاريخى ، حتى شمشير و عمامه جدش رسول خدا (ص) ، وارد مبارزه گرديد تا همه روزنه‌ها و راههاى توجيه را فرو بندد.**

**سيدالشهدا (ع) نيك دريافته بود كه وجدان شكست خورده و اخلاق پست امت را نمى‌توان به وسيله رويارويى ساده دگرگون ساخت، از اين رو با قيام و شهادت خويش ديرى نپاييد كه اخلاق هزيمت و فرار را به نيرويى عظيم درآورد و اخلاق جديدى به جاى آن جايگزين نمود. براستى شهادت حسين بن على (ع) تأثير ژرف و شگرفى بر شيعيان ساكن و ساكت بجاى گذاشت ، و سرنوشت غم انگيز نواده پيامبر اكرم (ص) عواطف اخلاقى و مذهبى مردم را بهم ريخت.**

**در اثر قيام و شهادت امام حسين (ع) موجى در روح مسلمين به وجود آمد، حميت و عزت، شجاعت و صلابت به وجود آمد،و احساسات بردگى و اسارتى كه از اواخر حكومت عثمان و تمام دوره معاويه بر روح جامعه اسلامى حكمفرما بود، تضعيف شد و ترس آنها را فرو ريخت ، خلاصه، ابا عبدالله (ع) به اجتماع اسلامى شخصيت داد.**

**كربلا و قيام سيدالشهدا (ع) نمايشگاه اخلاق عالى اسلامى و انسانى با همه صفات و طراوت آن بود و اين اخلاق را نه به زبان كه در عمل به خون پاك خويش بر صفحه ماندگار تاريخ به ثبت رسانيد.**

**از پا حسين افتاد و ما بر پاى بوديم‌**

**زينب اسيرى رفت و ما بر جاى بوديم**

**2- احساس گناه در بين مسلمين**

**يكى ديگر از آثار نهضت و شهادت سيدالشهدا (ع) اين بود كه مردم پس از مدت كوتاهى متوجه عدم توانايى و ضعف نفس خود شدند، لذا احساس عميق ندامت و گناه كرده و چنين انديشيدند كه براى جبران اين اهمال كارى و غفلت ، و نيز براى طلب بخشايش الهى، بايد جانبازيهاى مشابهى را انجام دهند. و از جمله كارهاى امام زين‌العابدين (ع) اين بود كه كوشيد اين احساس گناه را شعله‌ور سازد. از اين رو به گروه انبوهى از مردم كوفه نهيب زده و فرمود:**

**«اى مردم، شما را به خدا سوگند مى دهم، آيا شما فراموش كرديد كه نامه‌ها براى پدرم نوشتيد و چون به سوى شما آمد، به او خدعه و نيرنگ زديد؟! شما با پدرم عهد و پيمان بستيد و با وى بيعت كرديد، اما بيعت خود را شكستيد و او را به قتل رسانديد پس هلاكت بر شما باد و با اين توشه‌اى كه به آخرت فرستاديد هلاكت بر شما باد . چه رأى زشت و پليدى را كه براى خود پسنديديد! آنگاه كه به ديدار پيغمبر خدا (ص) مى‌شتابيد و به شما بگويد: «عترت مرا كشتيد ، هتك حرمت مرا كرديد.» با چه ديده‌اى به او نظر خواهيد كرد؟ و سرانجام به شما خواهد گفت : «از امت من نخواهيد بود» 15.**

**اين احساس گناه عامل هميشه شعله‌ورى بود كه مردم را براى شورش و انتقام جويى همواره به جلو مى‌راند.**

**استاد «عادل اديب» در اين باره مى‌نويسد: شهادت فجيع امام حسين (ع) در كربلا موجى شديد از احساس گناه در وجدان هر مسلمانى برانگيخت . آنان پى بردند كه مى‌توانستند او را يارى دهند. اما از آن پس كه با او براى قيام پيمان بستند، او را يارى نكردند . اين احساس گناه دو جنبه داشت: از يك طرف انسان را وادار مى ساخت كه گناهى را كه مرتكب شده با كفاره بشويد، و از طرف ديگر نسبت به كسانى كه او را به ارتكاب چنين گناهى واداشته بودند، احساس كينه و نفرت كند. به طورى كه انگيزه انقلابهاى متعددى كه در اثر قتل امام (ع) برپا شد، همان كفاره يارى نكردن به حضرت او، و انتقام گرفتن از امويان بود .**

**مقدر چنين بود كه آتش اين احساس گناه، پيوسته برافروخته بماند و انگيزه انتقام از بنى اميه در هر فرصت به انقلاب و قيام بر ضد ستمگران منتهى گردد. 16**

**بارى ، بر اثر شهادت امام حسين (ع) اين آيه شريفه مصداقى روشن يافت:**

**«و يوم يعض الظالم على يديه » . 17**

**و روزى كه ستمكار دستهاى خود را از پشيمانى مى‌گزد.**

**3-ازدياد محبوبيت سيد الشهداء (ع) و خاندان وحى‌**

**سؤمين اثر مهم تربيتى قيام و شهادت سيدالشهداء (ع) ، بالا بردن محبوبيت خاندان حضرت على (ع) در اجتماع اسلامى و شناساندن بيشتر و بهتر آنان به مردم بوده است .**

**مسئله داشتن محبوبيت و قبضه كردن افكار اجتماع از مسائل حياتى و مهمى است كه همواره مورد نظر حكومتها بوده و هست . حكومتها هر چند به طور اكثر تكيه گاه بزرگى جز قدرت ندارند، اما به خوبى مى دانند كه نيرومندتر از قدرت نظامى ، جايگاهى است كه در دلهاى مردم مى‌باشد، وسعى دارند آن را براى خويش به دست آورند . معاويه نيز با همه تلاشهاى شيطانى خود به طور كلى مى خواست دو چيزرا به دست آورد: يكى محبوبيت بخشيدن به خاندان و شجره خبيثه بنى اميه ، و ديگرى سقوط خاندان و شجره طيبه حضرت على (ع) از محبوبيت . متأسفانه معاويه در اين تلاش خود موفقيت بسيارى هم كسب كرد. اما با ظهور حماسه حسينى و جانبازيهاى مردان راستين خدا، نفوذ معنوى و اعتبار روحانى عميقى براى سيدالشهدا و اهل بيت (ع) ايجاد نمود . به طورى كه هر چه از آن واقعه مى گذشت مردم بيشترى به خاندان حضرت على (ع) جذب مى‌شدند اين محبوبيت رفته رفته چنان بالا گرفت كه عده‌اى براى خونخواهى و به نام هوا داران از خاندان رسول خدا (ص) دست به قيام زدند.**

**آرى ، اگر حسين بن على (ع) پيش از نهضت مردانه‌اش به عنوان امام وقت و سبط پيغمبر و فرزند على و فاطمه، و بزرگترين شخصيت از خاندان وحى شناخته مى‌شد، پس از قيام با حفظ مقامات سابق، به نام عاليترين و كاملترين نمونه مردانگى و مجاهدت و فداكارى در راه خدا و حقيقت شناخته شد.**

**«مسيوماربين آلمانى» در اين خصوص مى‌نويسد: «مهمترين اثر اين نهضت اين بود كه رياست روحانى كه در عوالم سياست اهميت شايانى داشت، مجدداً به دست بنى‌هاشم افتاد، و به ويژه در بازماندگان حسين (ع) مسلم گرديد، و چندى طول نكشيد كه (حكومت) ظلم و جور معاويه و جانشيان او منهدم شد و در كمتر از يك قرن قدرت از بنى اميه سلب گرديد. منهدم شدن (قدرت) بنى اميه به قسمى شد كه امروز نام و نشانى از آنها نمودار نيست و اگر در متن كتب تاريخى نامى از اين قوم ذكر شده در تعقيب آن هزاران نفرين و ناسزا هم نوشته شده است، واين نيست مگر به واسطه قيام امام حسين (ع) و ياران با وفاى او » 18.**

**بخش سوم: آثار و بركات سياسى - اجتماعى سيد الشهدا (علیه السلام)**

**1- بقاى شريعت اسلام**

**او كشته شد كه دين خدا جاودان شود**

**جان جهان فداش كه بى مثل و گوهر است**

**اوضاع عمومى اسلام و مسلمين بسيار ناراحت كننده بود . فعاليت‌ها و تبليغات مسموم بنى اميه عليه حضرت على (ع) و خاندانش ، و نيز تحريفات و بدعتهايى كه زيركانه در اسلام داخل كرده بودند، شرايط را جهت نابودى اسلام و محو نام حضرت محمد (ص) آماده كرده بود. خلافت الهى به حكمت سلطنتى و ديكتاتورى تبديل شده بود . روح شريعت اسلام يعنى پرهيزگارى و عدالت، در اجتماع ديده نمى‌شد و از احكام اجتماعى دين فقط جمعه و جماعت، آن هم به صورت تشريفات وجود داشت؛ و گاهى همين صورت تشريفاتى نيز به بدعت و بلكه فسق و فجور مى‌گراييد . اكثر قريب به اتفاق نسل مسلمان كه آن روزها در شبه جزيره عربستان زندگى مى‌كرد، در پايان خلافت عمر متولد و در عصر عثمان پرورش يافته و در آغاز حكومت معاويه وارد اجتماع شده بودند، لذا پيامبر اكرم (ص) را زيارت نكرده و شايد بتوان گفت مقام و منزلت خاندان وحى را درك نكرده بودند.**

**در رأس جامعه‌اى كه دچار بى‌ارادگى و ضعف نفس شده بود، حاكمى فاسق و فاجر چون يزيد لقب شريف اميرالمؤمنين و خليفه مسلمين را به ناحق با خود يدك مى كشيد. يك جوان قمار باز و شرابخوار، بى‌بند و بار و صد در صد اهل دنيا و خوشگذرانيهاى آن بر مردم حكومت مى كرد يك مغز الكلى كه از نظر افكار ، نسبت به اسلام و مقدسات اسلام كمترين عقيده‌اى نداشت، و ميمون بازى و هوسبازى از كارها و تفريحات روزانه‌اش بود . انسانهاى خطرناك و دنيا طلب به فرمان او در تمام استانها و شهرستانها بر اوضاع مسلط و بر دوش مسلمانان سوار بودند.**

**در چنين وضع خطرناك و دردناكى ، امام حسين (ع) پاى فشرد و عزم جهاد راسخ كرد و با تعداد معدودى از ياران ، همراه با زنان و كودكان به استقامت برخاست، و چنين فرياد كرد: «آيا نمى‌بينيد كه به حق عمل نمى‌شود و از باطل نهى نمى‌شود؟ در اين هنگام بايد شخص مؤمن حقا و واقعاً طالب لقاى پروردگارش باشد» 19.**

**اگر ديدى كه نابينا و چاه است‌**

**اگر خاموش بنشينى گناه است‌**

**بارى، مقاومت و پايدارى سيدالشهدا (ع) بود كه شريعت اسلام را بعد از اينكه در اثر طغيان معاويه و جور و بيداد او رو به اضمحلال گذارده بود، و تغيير و تبديلى كه او و پسر ناخلفش يزيد در اين دين بنا گذاشته و اساس ديانت را متزلزل بلكه مشرف به انهدام نموده بودند نجات بخشيد. نهضت اين بزرگوار و قيام نيرومندانه‌اش، بقاى دين را باعث گرديده، و با خون خود و اصحاب و يارانش ،گلستان دين را آبيارى و نهال گلستان شريعت را سرسبز و شاداب نمودند . اگر نهضت مقدس حسين نبود از اسلام به غير از اسلام اموى و از دين جز دين يزيدى و دين تشريفاتى چيزى باقى نمانده بود .**

**«مقرم» در كتاب مقتل خود مى‌نويسد: نهضت حسين (ع) جزء اخير از علت تامه جهت استحكام مبانى دين بوده، به طورى كه اين نهضت ، بين دعوت حق و حملات باطل، تفرقه و جدايى انداخته ، حق و باطل را از يكديگر جدا نمود . لذا گفته شده است : دين را وجود مقدس محمد ى شروع نموده و بقاى آن به واسطه وجود مبارك امام حسين (ع)تداوم يافت . «الاسلام نبوى الحدوث و حسينى البقاء» 20**

**اين بركت بزرگ كه به خاطر وجود شريف حضرت سيدالشهدا (ع) است، از تفسير بعضى احاديث نبوى نيز به دست مى‌آيد، از جمله اين حديث معروف شريف كه فرمود: «حسين منى و انا من حسين» 21.**

**حسين از من است و من نيز از حسينم .**

**بفرمود احمد شه عالمين**

**حسين از منست و منم از حسين‌**

**بدين معنى كه امام حسين (ع) سبط آن رسول گرامى بوده و از زبان مبارك نبوت و انگشت ابهام مقام رسالت تغذيه نموده و رشد و نماى او از شيره جان نبى اكرم (ص) بوده است ، و از طرفى پيامبر از امام حسين است زيرا دين آن رسول خاتم ، به واسطه امام حسين و فداكارى و جان نثارى او به جهان و جهانيان نفوذ كرده و تجليات و نورافشانى و گيتى شناسى خود را بعد از وفات پيغمبر معظم، به وسيله شهادت و جانبازى و از مال و عيال گذاشتن اين بزرگوار به عالميان جلوه و ظهور داده است .**

**«واشنگتن ايروينك» مورخ آمريكايى گويد: «براى امام حسين (ع) ممكن بود كه زندگى خود را با تسليم شدن به اراده يزيد نجات بخشد، ليكن مسئوليت پيشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمى داد كه او يزيد را به عنوان خلافت بشناسد . او بزودى خود را براى قبول هر ناراحتى و فشارى به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنى اميه آماده ساخت. در زير آفتاب سوزان سرزمين خشك و در روى ريگهاى تفتيده عربستان روح حسين فنا ناپذير است . اى پهلوان و اى نمونه شجاعت و اى شهسوار من، اى حسين ». 22**

**خون او تفسير اسلام مبين**

**منجى و احياگر شرع است و دين \***

**2- تفسير و احياى اسلام و امر به معروف و نهى ازمنكر**

**از جمله آثار مهم سياسى - اجتماعى قيام و نهضت حياتبخش حسينى كه به جاى مانده، آشكار ساختن اسلام صحيح و احياى امر به معروف و نهى از منكر بود تا بطلان اسلام انحرافى اموى كه پس از زمان رحلت نبى اكرم (ص) صورت گرفت، روشن شود.**

**خاندان بنى اميه در تبليغات خود، خويش را از خاندان رسول خدا (ص) قلمداد كرده و اسلام را وارونه به مردم نشان داده بودند و ايشان را در امور دين به ادعاى اينكه اولى الامر واجب الاطاعه هستند در حيرت و سرگردانى گذاشته بودند؛ اما امام حسين (ع) با قيام خود همه اين توطئه‌ها را بهم ريخت و اسلام اموى و دين يزيدى را از اسلام ناب محمدى جدا ساخت، و با نماز خونين خود در ظهر عاشورا، نماز را اقامه كرده عملاً معنا نمود.**

**چنانكه در زيارت وارث مى‌خوانيم: «اشهد انك قد اقمت الصلوة و اتيت الزكوة و امرت بالمعروف و نهيت عن المنكر».**

**بنابراين، نهضت و شهادت سيدالشهداء (ع) دو معنى داشت:**

**1- نفى آنچه به نام اسلام مطرح بود، 2- اثبات آنچه از اسلام فراموش گشته و انكار شده بود - مانند امر به معروف و نهى ازمنكر - و اين هر دو با هم، يعنى «احياى اسلام محمدى».**

**پس از شهادت امام حسين (ع)، گروه مكتبى، به حركت توده‌اى مخالف تبديل شد كه بدون استثنا همه مسلمين را در بر گرفت، زيرا مسلمانان به حقيقت اسلام و هدف تفكر مكتبى پى برده بودند، طرز تفكرى كه از روز اول، شعار حكومتى غير منحرف و صالح را فرياد مى‌كرد. در آن زمان، تمام جهان اسلام دريافته بود كه سكوت امت بر انحراف رهبرى، خطايى فاحش به شمار مى‌آيد. زيرا اين سكوت به فاجعه كربلا منجر شد. و همين امر آغازى شد براى انقلابها و امر به معروف و نهى از منكر.**

**آرى، كار انبيا و اولياى الهى در حقيقت امر به معروف و نهى از منكر و شناساندن معروف و منكر به مردم بوده است، و در اين راستا، نه تنها به سخن بسنده نكردند كه از درگيرى و تحمل سختيها و دشواريهاى آن نيز نهراسيدند. در اين بين رسول اكرم (ص) شناب بيشترى به آن دو امر داده و با تلاش و پيگيرى اسلام را پيروز كرد.**

**اما بعد از رحلت پيغمبر (ص)، مردم از خط مستقيم محمدى منحرف شدند و نا اهلان را به خلافت پذيرفتند كه عامل مهم اين مصيبت، جهل مردم و بى توجهى به امر به معروف و نهى از منكر بود. و امام حسين (ع) با قيام مصلحانه خود احياگر حقيقى اين دو فريضه الهى است. چنانكه سر قيام خويش را «اصلاح نمودن امت جدش و امر به معروف و نهى از منكر» معرفى مى‌نمايد. او با قيام خود به اين دو اصل اسلامى، اعتبار و آبروى شايسته داد و ارزش آنها را در جهان اسلام بالا برد، يعنى در حالى كه ديگران آن را در مرز ضرر شخصى متوقف مى‌كنند و ارزش آن را پايين مى‌آورند، نهضت حسينى مرزى براى آن نمى‌شناسد.**

**گاهى گفته مى‌شود: فقهاى شيعه شرايطى را براى امر به معروف و نهى از منكر ذكر كرده‌اند كه از آن جمله: ايمنى از ضرر بر جان و مال و ناموس است. پس شهادت حسين (ع) چگونه امر به معروف و نهى از منكر و يا برانگيزاننده بر آن است؟**

**در جواب بايد گفت: گاهى اوقات انسان با مسئله‌اى مواجه مى‌شود كه ناچار است بين از خود گذشتگى براى نجات دين و ميهن از نابودى و هلاكت، و به زندگى خويش پرداختن و دين و وطن را رها كردن، يكى را انتخاب كند. و ترديدى نيست كه او بايد شهادت و از خودگذشتگى را اختيار كند. تا عمل كرده باشد به دو قاعده قطعى: «تقديم اهم بر مهم» و «دفع ضرر اشد به ضرر اخف». و چنانكه مى‌دانيم كه در زمان خلافت يزيد به جايى رسيده بود كه قيام امرى واجب و تكليف الهى بود، اگر چه منجر به شهادت حسين (ع) و اسارت خاندانش گردد. و اگر ايمنى از ضرر، يك واجب مطلق بود و قيدى نداشت، هرگز جهاد در راه خدا بر مسلمانان واجب نمى‌گشت بلكه شهادت در راه خدا معصيت محسوب مى‌شد! و حال آنكه چنين نيست.**

**استاد شهيد مطهرى (ره) در اين باره مى‌فرمايد: «امر به معروف و نهى ازمنكر در مسائل بزرگ مرز نمى‌شناسد، هيچ چيزى، هيچ امر محترمى نمى‌تواند با امر به معروف و نهى از منكر برابرى كند. نمى‌تواند جلويش را بگيرد. اين اصل داير مدار اين است كه موضوع امر به معروف و نهى از منكر چيست. اينجاست كه مى‌بينيم حسين بن على (ع) ارزش امر به معروف و نهى از منكر را چقدر بالا برد. همانطور كه اصل امر به معروف و نهى از منكر را چقدر بالا برد. همانطور كه اصل امر به معروف و نهى از منكر، ارزش نهضت حسينى را بالا برد، چون حسين بن على (ع) فهماند كه انسان در راه امر به معروف و نهى از منكر به جايى مى‌رسد كه مال و آبروى خودش را بايد فدا كند، ملامت مردم را بايد متوجه خودش كند؛ همانطور كه حسين كرد». 23**

**آرى، به بركت وجود مقدس حسين و نهضت حياتبخش وى و شهادت مظلومانه و در عين حال رسواگر او، حقيقت اسلام تفسير شد و امر به معروف و نهى از منكر احيا گرديد.**

**هرگز فنا نيافت بقاى تو، زانكه يافت‌**

**آزادگى، بقاى دگر از فناى تو**

**3- دميدن روح استقامت و آزاديخواهى**

**يكى ديگر ازآثار و بركات سياسى - اجتماعى سيدالشهدا (ع) اين بود كه نه فقط با حرف كه در عرصه عمل هم روح استقامت و پايدارى وآزاديخواهى و حفظ كرامت و عزت نفس را در كالبد بى‌روح مسلمين در همه اعصار دميد.**

**سالار شهيدان در برابر نيروى مهيب ستم و قوه قاهره بنى اميه، بالاترين استقامت و مهمترين پايدارى و شهادت را به خرج داده و در مقابل آنان مقاومت كرده و به انسانها درس حريت و آزادگى آموخت. آن حضرت در آخرين لحظات حماسه كربلا با بدنى مجروح و خونين، دشمن را طرف خطاب قرار داده و فرمود: «اى پيروان ابوسفيان، اگر دين نداريد پس در دنيا آزاد مرد باشيد».**

**حماسه عاشورا سراسر، شعارهاى آزادى‌طلبى و استقامت و عزت نفس است. چنانكه آن حضرت در روز عاشورا ضمن گفتارهاى گرم و آتشين خود فرياد مى‌زد: «اين ناپاك و فرزند ناپاك، مرا بين دو كار مخير ساخت: يا ذلت را بپذيرم و در برابر يزيد تسليم شوم، و يا اينكه كشته گردم و به حكم شمشير تن دهم! اما از ما خاندان پيغمبر ذلت بدور است، نه خدا براى ما ذلت مى‌خواهد و نه پيامبر او و نه مردان پاك دل و مؤمن و نه آن دامنهاى منزهى كه ما را در ميان خود پرورانده است» 24.**

**آرى، رمز موفقيت و راز پيروزى انسان در هميشه تاريخ بستگى به استقامت و پايدارى در مقابل سختى‌هاى راه دارد و امام حسين (ع) با استقامت خود در برابر بناى شرك و اساس كفر و الحاد و بذل جان و تمام هستى خود در اين راه مقدس، باعث دميده شدن روح پايدارى و آزادگى در بين مردم گشت، به طورى كه در قيامهاى بعد از آن حضرت اين امر به خوبى مشهود است .**

**4- قيام حسينى الگوى قيامهاى مقدس ديگر**

**قيامهاى مقدس بشرى داراى دو مشخصه هستند: اول اينكه آنها براى مقامات عالى انسانيت و توحيد و عدل و آزادى، و براى رفع ظلم و استبداد صورت مى‌گيرند. دوم اينكه، برقى هستند در ظلمتهاى سخت كه معمولاً مورد تصويب «عقلاى قوم!» قرار نمى‌گيرند. قيام امام حسين (ع) هر دو مشخصه را دارا بود، و يكى از آثار اين قيام، جنبه الگويى آن براى ساير نهضتها و قيامهاى به حق و الهى است. تمام انقلابهاى مقدسى كه در جهان اسلام پس از شهادت حسين (ع) تا زمان ما به وجود آمد، خمير مايه اصلى آن، قيام آن حضرت بوده و هست و خواهد بود، قيامى كه الهام بخش همه نهضتهاى اصيل رهايى بخش گرديد. و اين اصلى است كه خود امام حسين (ع) در «بيضه» - يكى از منازل بين مكه و كربلا - به همراهان و ياران خويش فرمود: «ولكم فيه اسوة»25 در من براى شما نمونه و الگويى است. و چنانكه مى‌دانيم اين الگو، قيام بر عليه ظلم و فساد است، همان امرى كه باعث گرديد خداوند متعال رسولش را در قرآن براى انسانها اسوه و الگو معرفى كند. و رسول خدا (ص) فرمود: «براى شهادت حسين (ع) حرارتى در دلهاى مؤمنان است كه هرگز سرد و خاموش نمى‌شود» 26.**

**«استاد حسن ابراهيم» در اين رابطه مى‌گويد: «كشته شدن امام حسين (ع) در تهييج شيعيان و وحدت بخشيدن به آنها تأثير بسيارى داشت. قبل از اين رخداد، شيعيان پراكنده بودند؛ زيرا شيعه گرى با خون آميخته گشت و در اعماق قلوب شيعيان، نفوذ كرد و عقيده راسخ آنان شد» 27.**

**اثرات نهضت امام حسين از خود دستگاه اموى و دشمنان حضرت شروع شد. درست مثل آبى كه با حرارت رو به جوشيدن مى‌رود، پس از به جوش آمدن، نخست حبابهايى از ته ديگ بالا آمده و در روى آب مى‌تركد، پس از آن كم كم جوشيدن آغاز مى‌گردد. انقلاب يك جامعه بر عليه دستگاه ظلم نيز به همين شكل است، اول انتقادها و فريادهاى عدالتخواهى و تظلم كه به حكم حبابهاى ته ديگ هستند از گوشه و كنار كشور بر مى‌خيزند و رفته رفته جان گرفته و ديگ جامعه جوشيدن آغاز مى‌كند و دستگاه ستم را آنقدر بالا و پايين مى‌برد كه به صورت كف بى‌ارزشى بر روى زمين مى‌ريزد.**

**بارى، بعد از شهادت امام حسين (ع) بلافاصله اين فريادها و انتقادها كه مقدمه فرو ريختن اركان حكومت منحوس بنى اميه بود بلند شد. «سنان بن انس» هنوز از قتلگاه امام بيرون نرفته بود كه يارانش به او گفتند: تو حسين بن على، پسر پيغمبر، دختر رسول خدا (ص) را كشتى! تو مردى را كشتى كه از همه عرب بزرگتر است و آمده بود تا حكومت را از دست بنى اميه بگيرد! اكنون پيش امراى خود برو و پاداش خود را بگير و بدان كه اگر تمام موجودى خزانه‌هاى خودشان را در برابر كشتن حسين به تو بدهند باز هم كم است. 28**

**و نيز«حميد بن مسلم »گويد: زنى را از طايفه «بكر بن وائل» كه به همراه شوهرش بود در ميان اصحاب عمربن سعد ديدم كه چون ديد مردم ناگهان بر زنان و دختران حسين (ع) تاختند و شروع به غارت و چپاول نمودند، شمشيرى به دست گرفت و رو به خيمه آمد و صدا زد: «اى مردان قبيله بكر، آيا لباس از تن دختران رسول خدا (ص) به يغما مى‌رود؟ مرگ بر اين حكومت غير خدايى، اى قاتلان رسول خدا» در اين هنگام شوهرش دست او را گرفته و به خيمه برگرداند. 29**

**اينها و موارد بسيار ديگر، نخستين عكس العمل‌هاى مردم از واقعه جانسور كربلا بود كه رفته رفته به وسعت آن افزوده مى‌گشت، تا جايى كه روح انقلاب در مكتب اسلام دميده شد ومردم هرگاه رهبر لايقى مى‌يافتند بر عليه حكومت نامشروع و فاسد بنى اميه دست به قيام مى‌زدند، و شعار غالب انقلابها «خونخواهى حسين» بود. شمار اين انقلابها زياد است كه ما در اينجا به چند نمونه اشاره مى‌كنيم.**

**1- انقلاب توابين: اين انقلاب در كوفه بر پا گرديد و واكنش مستقيم قتل امام بود، و انگيزه آن، احساس گناه به علت يارى نكردن امام پس از آنكه كتباً از او دعوت كردند به كوفه آيد - بود. لذا كوفيان خواستند ننگى را كه مرتكب شده بودند با انتقام از قاتلان آن حضرت بشويند و دست به قيام زدند. اين واقعه در سال 65 هجرى روى داد.**

**2- انقلاب مدينه: هدف اين انقلاب خونخواهى نبود بلكه انقلابى بود عليه حكومت ستمكار بنى اميه. شركت كنندگان در اين قيام يك هزار تن بودند كه به دست سپاهيان شام و با نهايت وحشيگرى سركوب گرديد.**

**3- قيام مختار ثقفى: اين قيام در سال 66 هجرى در عراق به انگيزه خونخواهى امام حسين (ع) و انتقام از قاتلان او صورت گرفت. اين انقلاب به رهبرى مختار توانست در يك روز دويست و هشتاد تن از قاتلان امام حسين (ع) را به قتل رساند.**

**4- انقلاب مطرف بن مغيره: وى در سال 77 هجرى بر عليه حجاج بن يوسف شوريد و عبدالملك بن مروان را از خلافت خلع كرد.**

**5- انقلاب ابن اشعث: او نيز بر عليه حجاج در سال 81 هجرى شوريد و عبدالملك مروان را از خلافت خلع كرد. اين شورش تا سال 83 به طول انجاميد . در آغاز، پيروزيهاى نظامى به دست آورد اما بعدها شكست خورد.**

**6- انقلاب زيد بن على : وى كه از فرزندان امام زين‌العابدين (ع) بود در سال 122 هجرى در كوفه قيام كرد، اما بيدرنگ به وسيله سپاهيان شام كه در آن هنگام در عراق بودند سركوب گرديد.**

**7- قيام حسين بن على ، شهيد فخ : «فخ» نام وادى و محلى است در قسمت غربى و يك فرسخى شهر مكه، و آن جايى است كه حسين بن على (صاحب فخ) بر عليه حكومت عباسى در سال 169 هجرى قيام كرد و با ياران خويش به شهادت رسيد. وى يكى از سادات و علماى اسلام بود كه براى عظمت تشيع با خون خويش پس از حدود يك قرن از ماجراى كربلا اثرى عميق در عالم تشيع بجاى گذاشت.**

**اين انقلابها و انقلابهاى ديگر، نقش مهمى در برابر حكومتهاى ناشايست وقت از نظر محفوظ ماندن ظواهر اسلام و نام مقدس پيامبر اكرم (ص) و رعايت حقوق مردم ايفا كردند. و اين نهضتها خود يكى از آثار مهم و ثمرات نهضت ريشه‌دار و عميق سيدالشهدا (ع) بود . در زمان كنونى نيز خواستگاه انقلاب اسلامى ايران ،مجالسى بود كه به جهت بزرگداشت حماسه حسينى و واقعه عاشورا اقامه مى‌گرديد.**

**قيام حسينى نه تنها براى مسلمين بلكه براى غير مسلمانان نيز كه به دنبال رهايى از ظلم و ستم بوده و هستند، سرمشق قرار مى گيرد. «مهاتما گاندى» مى گويد: من زندگى امام حسين (ع) آن شهيد بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه كافى به صفحات كربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است كه اگر هندوستان بخواهد يك كشور پيروز گردد، بايستى ازامام حسين (ع) پيروى كرده و سرمشق بگيرد. 30.**

**حسين ، كشته ديروز و رهبر روز است‌**

**قيام اوست ، كه پيوسته نهضت آموز است‌**

**خون او تفسير اين اسرار كرد**

**ملت خوابيده را بيدار كرد**

**5- بيدارى خفتگان**

**از جمله آثار و بركات ديگرى كه قيام و شهادت سيدالشهدا (ع) در بعد سياسى - اجتماعى داشت، بيدار شدن خفتگان و انتقال روح مبازره جويى بر عليه ظلم و ستم بوده و هست.**

**براى تنوير ذهن و تصوير مطلب، لازم است به طور اجمال اشاره‌اى به وضعيت جامعه اسلامى آن دوران داشته باشيم . مردم آن زمان به چند دسته تقسيم مى شوند:**

**دسته اول: كه قسمت عمده مردم را تشكيل مى داد، كسانى بودند كه در مقابل فساد معاويه ، اراده خود را از دست داده بودند و به پستى و خوارى ناشى از فساد كه پيرامون خلافت اسلامى را فرا گرفته بود تن در داده بودند.**

**دسته دوم : كسانى بودند كه منافع خصوصى خود را بر رسالت و امامت ترجيح مى دادند. اين دسته بر خلاف دسته اول فارغ از ظلم و انحراف بنى اميه بودند و آن را احساس نمى‌كردند.**

**دسته سوم : ساده لوحانى كه فريب فرمانروايان بنى اميه را خورده بودند. و اگر نبود قيام و مقاومت امام حسين و اصحاب راستين پيامبر به رهبرى اهل بيت (ع) ، ساده لوحان بسيارى فريب خورده و مى‌گفتند كه اگر اين دستگاه سلطنتى و كارهاى آن قانونى نبود، صحابه رسول خدا (ص) خاموش نمى‌نشستند.**

**دسته چهارم: كسانى بودند كه مى‌پنداشت امام حسن (ع) خلافت را به معاويه واگذار كرده و با وى به خاطر اوضاع و احوال پيچيده زمان سازش نموده است ! زيرا اگر چه براى مردم كوفه و عراق كه از نزديك در جريان بودند، ماجراى صلح تحميلى آشكار بود؛ اما مسلمانانى كه در گوشه و كنار جهان اسلامى آن روزگار پراكنده بودند - مانند مردم خراسان - و از دور دستى بر آتش داشتند از ابعاد مسئله بى‌خبر بودند از اين رو امام حسين (ع) با قيام خونين خود ثابت كرد كه صلح برادرش به معناى كناره‌گيرى از رسالت اهل بيت (ع) نيست.**

**گذشته از اين چهار دسته كه در واقع جملگى در خواب خرگوشى مشترك بودند، دو دسته ديگر يعنى پيروان بنى اميه و ياران حقيقى امام حسين (ع) نيز وجود داشتند . زيرا اگر چه اصحاب سيدالشهداء بسيار اندك بودند ولى قابل ذكر است كه برخى از شيعيان و علاقه‌مندان امام در ساير ايالتهاى اسلامى بودند و پس از اطلاع يافتن از دعوت حضرت، خواستند به او لبيك گويند ولى مركز كوفه تحت كنترل شديد نظاميان عبيدالله بن زياد بود و به هيچ وجه نمى گذاشتند كسى از آن خارج يا به آن وارد شود، و بسيارى از مسلمانان نيز در مناطق دور دست از اين فاجعه به كلى بى خبر بودند كه حساب آنها با سايرين جدا است .**

**با توجه به آنچه به طور اجمالى بيان شد، معلوم مى گردد كه مردم كوفه تا چه حدى در خواب خرگوشى فرو رفته بودند . كه تمام فريادهاى امام و يارانش را نشنيده گرفته و آسايش و رفاه طلبى ، آنان را از هر نوع كمكى در راه نجات اسلام از انحراف باز مى داشت .**

**در آن شرايط ، انقلاب خونين سيدالشهدا (ع) تمام معادلات سياسى دشمنان را بر هم زد و اوضاع اجتماعى آن زمان را دگرگون ساخت . جانفشانى شخصيت منحصر به فردى چون امام حسين (ع) كه از نخبگان و برگزيدگان و پيشواى على الاطلاق مسلمانان بود و با فضيلت‌ترين و نزديكترين آنها به پيامبر اسلام (ص) بود از طرفى خدايى بودن حركت مصلحانه سيدالشهدا (ع) و گذشتن از همه هستى خود از طرف ديگر، و عمق فاجعه و مظلوميت آن امام عزيز از ناحيه سوم باعث گرديد زنگ بيدار باش، خواب سنگين مردم را بر هم زند و مردگان را احيا كند، و درخت اسلام را كه به پژمردگى روى آورده بود، با خون خود آبيارى كند و آنچنان طراوت و شادابى بخشد كه تا ابد سر سبز و خرم باقى ماند.**

**در آن عصر قحطى حق جويان و حق مداران ، كه ظلم و شرك و فساد، در پناه سرنيزه و كشتار، حكومت مى‌كرد و سكوت بود و سكون ! حسين تازيانه فرياد بلند كرد و بر پيكر خفته ، بلكه مرده امت فرود آورد و چنان شور و حركتى آفريد كه آن مردم را بيدار بلكه زنده نمود، و با اين بيدارى از آنها پاسدارى از انقلاب محمد (ص) و عدل على و صبر حسن (ع) ، و معناى قرآن و رسالت اسلام و خون خويش را طلب نمود.**

**خون امام حسين (ع) همانند آب حياتى بود كه در كالبدهاى مرده و خشك و مأيوس جريان پيدا كرد و منشأ قيامهاى بسيارى شد . و براستى مى توان گفت كه عصر عاشورا پايان نهضت امام حسين (ع) نبود بلكه آغاز حركت و اول بيدارى ملت اسلام خصوصاً شيعيان بود.**

**«فليپ حتى» در كتاب تاريخ عرب مى نويسد: «فاجعه كربلا، سبب جان گرفتن و بالندگى شيعه و افزايش هواداران آن مكتب گرديد. به طورى كه مى توان ادعا كرد كه آغاز حركت شيعه و ابتداى ظهور آن، روز دهم محرم بود».31**

**و «گيبون» مورخ مشهور گويد: «در طى قرون آينده بشريت و در سرزمين‌هاى مختلف ، شرح صحنه حزن آور مرگ حسين (ع) موجب بيدارى قلب خونسردترين قاريان و خوانندگان خواهد شد». 32**

**بر لوح فتحنامه او شد شكست او**

**مرد حق از شكسته شد هم مظفر است‌**

**6- شكست يزيدو يزيديان‌**

**با توجه به مفهوم پيروزى و شكست ، به اين نتيجه مى رسيم كه پيروزى آن نيست كه انسان از ميدان نبرد سالم به در آيد و يا دشمن خود را به خاك هلاكت افكند، بلكه پيروزى آن است كه هدف خود را پيش ببرد و دشمن را از رسيدن به مقصود خود باز دارد. اميرالمؤمنين (ع) در اين خصوص فرموده است : «ما ظفر من ظفر الاثم به ، و الغالب بالشر مغلوب» 33 كسى كه گناه بر او پيروز شد، شكست مى خورد و كسى كه از راه بدى بر دشمن ظفر يافت در واقع مغلوب است ». از اين رو اگر چه امام حسين (ع) و يارانش پس از يك نبرد خونبار و قهرمانانه به نور عظيم شهادت رسيدند، اما آنها هدف مقدس خود را به تمام معنى از آن شهادت پر افتخار گرفتند. و هدف اين بود كه به تكليف عمل شده و ماهيت حكومت ارتجاعى و ضد اسلامى اموى آشكار شود و افكار عمومى مسلمين بيدار گردد، كه اين هدف به خوبى انجام گرفت .**

**رسوايى سران اموى و قاتلان امام حسين (ع) به حدى بالا گرفت كه سرانجام پس از گذشت چند سال نه تنها هيچ كس از آل اميه جرأت نداشت نسبت خود را آشكار سازد بلكه بدنهاى مردگان آنها را هم از قبر بيرون كشيدند و با آتش سوزاندند . آرى، راه پيشرفت و پيروزى كه داشت با سرعت فراوان براى آن دودمان كثيف در بين امت هموار مى شد، بعد از واقعه كربلا يكباره درهم ريخت و با رسوايى بسيار، بساط ابوسفيانيان برچيده گشت.**

**«استادنيكلسون » گويد: «حادثه كربلا، حتى مايه پشيمانى و تأسف امويان شد، زيرا اين واقعه، شيعيان را متحد كرد و براى انتقام امام حسين، هم صدا شدند و صداى آنان در همه جا و مخصوصاً عراق و ايرانيانى كه مى‌خواستند از نفوذ عربها آزاد شوند انعكاس يافت».34**

**يكى ديگر از شواهد شكست يزيديان و بنى اميه ، زمانى است كه امام سجاد (ع) در كوفه خطبه خواند و ماهيت پليد دشمنان خدا را براى مردم خفته و فريب خورده آشكار كرد. لذا مردم يك زبان عرض كردند:**

**«اى فرزند رسول خدا (ص) ، همه ما شنوا و مطيع و حافظ عهد و پيمان تو هستيم ، از تو روى بر نگردانده و تو را ترك نخواهيم كرد، پس خدا تو را رحمت كند، به ما دستور بده كه همانا با دشمن تو دشمن و با دوست تو دوستيم ، تا يزيد را بگيريم و از كسانى كه به تو و ما ظلم نمودند، دورى بجوييم » .35**

**آرى ، امام حسين را كشتند، اما حسين كه فقط جسم نيست، امام حسين يك مكتب است كه بعد از مرگش زنده‌تر شد. و اگر چه در كربلا قيام قامت امام حسين (ع) را در خون كشيدند ، و ناى حقيقت گوى او را بريدند، اما در حقيقت امام حسين زنده‌تر شد، او بزرگ مردى است كه با شهادتش حركتى عظيم و تحولى بزرگ در تاريخ ايجاد كرد و يزيد و يزيديان را رسوا نمود.**

**(حسان )، حسين ، به ظاهر اگر چه شد مغلوب‌**

**شكست اوست، كه در هر زمانه پيروز است‌**

**زخون سرخ قلبت ، نورى جهيدن گرفت**

**كه ظلمت جهل را ، صاعقه آسا برد\***

**7- رهايى از جهالت و ضلالت**

**هفتمين اثر و بركت از آثار و بركات اجتماعى نهضت سيد الشهدا(ع) اين بود كه با قيام و شهادت خويش مردم را از جهالت و گمراهى نجات بخشيد. او خون دل خويش را در راه خدا بذل كرد تا امت را از حيرت ضلالت و جهالت كه در اثر تسلط و تبليغات مسموم بنى اميه پيش آمده بود برهاند. چنانكه در زيارت اربعين امام حسين (ع) مى خوانيم :**

**«و بذل مهجته فيك ، ليستنقذ عبادك من الجهالة و حيرة الضلالة».**

**و حسين (ع) خون قلب خود را در راه تو بذل كرد تا بندگانت را از جهالت و حيرت گمراهى برهاند.**

**استاد شهيد مطهرى (ره) در توضيح فراز مذكور مى فرمايد: «مقصود از جهالت مردم اين نبود كه چون مردم بى‌سواد بودند و درس نخوانده بودند مرتكب چنين عملى شدند، و اگر درس خوانده و تحصيل كرده مى‌بودند نمى‌كردند . نه ، در اصطلاح دين، جهالت، بيشتر در مقابل عقل گفته مى‌شود و مقصود آن تنبه عقلى است كه مردم بايد داشته باشند (و به تعبير ديگر قوه تجزيه و تحليل قضايايى مشهود و تطبيق كليات بر جزئيات است و اين چندان ربطى به سواد و بى‌سوادى ندارد . علم، حفظ و ضبط كليات است و عقل قوه تحليل است). به عبارت ديگر، امام حسين (ع) شهيد فراموشكارى مردم شد، زيرا مردم اگر در تاريخ پنجاه - شصت ساله خودشان فكر مى كردند و قوه تنبه و استنتاج و عبرت گيرى در آنها مى بود و به تعبير سيدالشهدا (ع) كه فرمود: «ارجعوا الى عقولكم» اگر به عقل و تجربه پنجاه - شصت ساله خود رجوع مى‌كردند و جنايتهاى ابوسفيان و معاويه و زياد در كوفه و خاندان اموى را اصولا فراموش نمى‌كردند و گول ظاهر فعلى معاويه را كه دم زدن از دين به خاطر منافع شخصى است نمى خوردند و عميق فكر مى‌كردند كه آيا امام حسين (ع) براى دين و دنياى آنهابهتر بود يايزيد و معاويه و عبيدالله ، هرگز چنين جنايتى واقع نمى شد...» 36.**

**آرى ، امام حسين (ع) با نهضت مقدس خويش در آن ظلمت سخت و در ميان يأسها و نااميديهاى مطلق، و در موقعى كه ستاره‌اى در آسمان بشريت ديده نمى‌شد، مانند برقى درخشيد و مانند شعله‌اى حقانى فرا راه آدميان ظاهرگشت . او به خوبى مى دانست كه تنها مردم نادان و گمراهند كه آلت دست حكومتهاى ستمكار و بيدادگر و فاسد واقع مى شوند ، به همين خاطر با بذل خون پاك خويش سعى كرد ملت جاهل و گمراه را از آن وضع خطرناك و دردناك نجات بخشد. لذا امام صادق (ع) در فراز مورد بحث، هدف قيام حسينى را تنها فدايى امت گنهكار بودن و شفاعت از آنان در قيامت بيان نمى‌كند ، بلكه مى‌فرمايد: هدف، نجات دنياى انسانيت از جهالت و ضلالت بود.**

**پی نوشت‌ :**

**1 فرائد السمطين , جوينى خراسانى , ج 2 ص 155**

**2 فرائد السمطين , جوينى خراسانى , ج 2 ص 246**

**3 حماسهء حسينى , استاد شهيد مطهرى , ج 3 ص 247**

**4 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 43, ص 309**

**5 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 43, ص 281**

**6 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 329**

**7 اثبات الهداة , شيخ حر عاملى , ج 5 ص 215**

**8 اقتباس از كتاب عدل الهى , استاد شهيد مطهرى , ص 241تا 246**

**9 خصال , شيخ صدوق , ص 624**

**10 المحاسن , ابى جعفر برقى , ج 1 ص 293**

**11 نقل از كتاب <قيام حسينى > آيت الله شهيد دستغيب , ص 105**

**(#) ـ بيتى از نگارنده .**

**12 بحارالانوار , علامهء مجلسى , ج 43, ص 262**

**13 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 32**

**14 سفينة البحار, محدث قمى , ج 1 ص 257**

**15 سيرهء امامان , سيد محسن امين , ص 188**

**16 زندگانى تحليلى پيشوايان ما, عادل اديب , ص 149**

**17 سورهء فرقان , آيه 27**

**18 نقل از كتاب درسى كه حسين به انسانها آموخت شهيد هاشمى نژاد, ص 445**

**19 بحارالانوار , علامهء مجلسى , ج 44 ص 381**

**20 نقل از كتاب <زندگانى حضرت ابى عبدالله الحسين > ابوالقاسم سحاب , ص 22**

**21 كشف الغمة , علامه اربلى , ج 2 ص 6**

**22 به نقل از كتاب <درسى كه حسين (ع ) به انسانها آموخت > شهيد هاشمى نژاد, ص 450**

**(#) ـ بيتى از نگارنده .**

**23 حماسهء حسينى , شهيد مطهرى , ج 2 ص 130**

**24 تحف العقول ,محدث حرانى , ص 275**

**25 تاريخ طبرى , ج 7 ص 300**

**26 جامع احاديث الشيعه , ج 12 ص 556**

**27 ترجمهء تاريخ سياسى اسلام , ج 1 ص 351**

**28 تاريخ طبرى , ج 4 ص 347**

**29 ترجمهء لهوف سيد بن طاووس , ص 132**

**30 نقل از كتاب <درسى كه حسين (ع ) به انسانها آموخت > شهيد هاشمى نژاد, ص 447**

**31 درسى كه حسين (ع ) به انسانها آموخت , شهيد هاشمى نژاد, ص 448**

**32 همان مأخذ.**

**33 نهج البلاغه , صبحى صالح , حكمت 333**

**34 ترجمه تاريخ سياسى اسلام , ج 1 ص 352. به نقل از كتاب ماهيت قيام مختار , ص 201**

**35 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 45 ص 112**

**(#) ـ بيتى از نگارنده .**

**36 حماسهء حسينى , استاد مطهرى , ج 3 ص 47**

**منبع:کتاب آثار و بركات امام حسین(علیه السلام)**

**آثار و بركات امام حسین(علیه السلام) – قسمت دوم**

**نويسنده:عليرضا رجالى تهرانى**

**بخش چهارم: آثار و بركات زيارت سيدالشهداء (علیه السلام)**

**سخنى پيرامون زيارت سيدالشهدا (علیه السلام)**

**اى غمين ز اشتياق حضرت او**

**روز و شب مايل به زيارت او**

**تو از او دور نيستى بالله**

**«قبره فى قلوب من والاه »**

**در طول تاريخ انسانهايى بوده و هستند كه پس از مرگشان ، زندگى و حياتشان ادامه پيدا كرده و با مرگ بدنشان ، وجودشان و شخصيت و انديشه‌شان ادامه يافته است . مردان خدا و شخصيتهاى الهى، همانگونه كه در زمان حيات خويش استوانه دين و محور انسانيت و پشتوانه حق و عدالت هستند ، در زمان پس از مرگ نيز آرامگاه و زيارتگاهشان پشتوانه حق و عدالت و فضيلت است . و در اين ميان ، زيارت مشهد حسينى از ويژگيهاى برجسته‌اى برخوردار است . آنانكه توفيق پيدا مى كنند و به زيارت مرقد مطهرش مشرف مى شوند ، روى به آستان امام حسين (ع) آورده و به جانب اين مدرسه عشق و فضيلت و دانشگاه كمال و تربيت مى‌گرايند . اينگونه تربيت اجتماعى و يك چنين موسسه تهذيب اخلاق و ادب ، براى هيچ ملتى از ملل گيتى ميسر و مقدورنيست .**

**البته ملحدين و معاندين و مخالفين مكتب تشيع به خيال خود شبهات و اشكالهاى مى كنند و مى گويند: «زيارت قبور، بت پرستى است ؟!» در حالى كه هر كس كه به زيارت قبور ائمه (ع) مى رود هرگز به عنوان «بت» آنها را زيارت نمى‌كند . چه كسى است كه حسين بن على (ع) راخدا بداند؟!! شيعه، امام را مقرب درگاه خدا مى‌داند و با توسل به او قربى به خدا پيدا مى كند، همانطور كه خودش در قرآن مجيد فرمود:«به سوى او وسيله بگيريد» 37 امام را وسيله الهى مى‌داند. زيرا توسل و شفاعت، بعدى از ابعاد زيارت است كه زائر از اين طريق خود را به درگاه الهى نزديك مى‌كند، و پيشوايان ما وعده فرموده‌اند كه از زائران خود دستگيرى كنند.**

**امام رضا (ع) مى فرمايد: «هر امامى بر گردن دوستان و پيروانش عهد و پيمانى دارد و وفاى به اين عهد، بإ؛،،ّّ زيارت قبر آنان ممكن مى‌باشد . و كسى كه به شوق زيارت آنها و با تصديق به فضيلت آنها به سوى قبور آنها برود مورد شفاعت ائمه در قيامت قرار مى‌گيرد.**

**پس هر زائرى بايد بكوشد تا از اين شفاخانه فيض، استشفاى دردهاى درونى و امراض قلبى و اندرونى خود را خواسته، خواستار آن شود كه صفاى دل و دوستى خاطر و پاكيزگى روح و قداست روان و سلامت تن ، از خدمت آفريدگار جهان به وى عطا گردد ، تا اينكه هم ظاهر او به جمال و كمال آراسته شود و هم باطن وى از آلودگى‌ها پاك و مصفا گردد.**

**هر زائرى كه با معرفت و شناخت مقام صاحب اين مرقد و اهداف او به زيارت برود، از صاحب قبر الهام مى‌گيرد و اصول و تعاليم مكتب را به ياد مى‌آورد ، و هر زيارت و سلام او سرشار از اين آموزشها و الهام‌ها است.**

**از طرفى زيارتنامه‌هاى وارده، و خواندن هر كدام از آنها، خواننده و زائر را به دقت و تفكر واداشته ، متذكر تاريخ و احوال انبيا و اولياى معصوم مى‌گرداند. تأمل در زيارت عاشورا و ديگر زيارات ، اين مطلب را به خوبى روشن مى سازد كه امامان به اين وسيله در صدد ساختن انسانهاى مؤمن و متعهد بوده‌اند ، لذا به آنها تعليم داده‌اند كه در زيارت امام حسين (ع) از خداوند بخواهند كه زندگى و مرگشان را «حسين گونه» قرار دهد، و آنها را در دينا و آخرت همراه آن حضرت بدارد: «اللهم اجعل محياى محيا محمد و آل محمد ، و مماتى ممات محمد و آل محمد ... و ان يجعلنى معحكم فى الدنيا و الاخرة».**

**به اميد به اينكه خداوند متعال توفيق زيارت حضرتش را در دنيا و شفاعتش را در روز قيامت نصيب ما گرداند، به آثار و بركاتى كه زيارت سيدالشهدا (ع) به دنبال دارد مى‌پردازيم:**

**1- آرامش بخشيدن به زائر**

**قبل از آنكه به آثار و بركاتى كه برگرفته از روايات اسلامى است اشاره كنيم ، اين نكته لازم به ذكر است كه زيارت مرقد شريف امام حسين (ع) مانند ساير ائمه ، به مردمان و زيارت كنندگانش ، نوعى آرامش و اطمينان مى‌بخشد . در اين عصر كه انسان را موجودى مضطرب مى نامند، و پيوسته دست به گريبان با پديده‌هايى چون ترديد، ناكامى، تشويش، ترس و ناسازگارى با محيط و زندگى ماشينى و محروميت و جنگ و حتى كنار نيامدن بإ؛--ّّ خود است، و هر روز شاهد كاهشها و فرسايشها است و نمى تواند از اضطراب در امان بماند ، اين زيارت مرقد مردان خدا و پيشوايان دين است كه به انسان آرامش خاطر مى دهد.**

**در زيارت يك نوع كشش و نياز الزام آورى انسان را وا مى‌دارد كه فشارها و فريادهاى درونى را از راهى خارج كند . زائر آن مرقد شريف در پرتو دعا و گفتگو با پاكان و استمداد از ارواح پاك مقربان درگاه الهى، نيرو گرفته و نابسامانيها را با توسل بدانها برخود هموار مى سازند ، و خستگى‌ها و فشارهاى وارد بر روان ، و نيز اضطرابها و يأسها را از خودمى زدايند و به آرامش و اطمينانى براى ادامه زندگى دست مى‌يابند.**

**2- در امان خدا بودن**

**به امام صادق (ع) عرض كردند: كمترين اثرى كه براى زائر قبر امام حسين (ع) چيست؟ فرمود: «كمترين تأثيرش اين است كه خداوند متعال، او و خانواده و مالش را حفظ مى كند تا به سوى اهل خويش برگردد ،و چون روز قيامت فرا رسد، خداوند حافظ او خواهدبود ».38**

**3- زائر خدا محسوب شدن**

**زيد بن شحام گويد: به امام صادق (ع) عرض كردم : براى زائر قبر امام حسين (ع) چه مى‌باشد؟ فرمود: «همانند كسى است كه خدا را در عرش ديدار نموده باشد». گفتم: براى كسى كه يكى از شما را زيارت كند چه مى‌باشد؟ فرمود:**

**«همانند كسى است كه رسول خدا (ص) را زيارت نموده است » . 39**

**4- برآورده شدن حاجات و دفع پريشانى**

**امام صادق (ع) فرمود: «همانا نزد شما قبرى است كه هيچ فرد پريشانى نزد آن نمى‌آيد مگر آنكه خداوند از او دفع پريشانى نمايد و حاجتش را برآورد» . 40**

**و نيز به ابوصباح كنانى فرمود: «همانا نزد شما قبرى است كه هيچ فرد پريشانى نزد آن نمى‌رود مگر آنكه خداوند از او پريشانى را دفع نموده و حاجتش را برآورده مى نمايد، و همانا نزد او چهار هزار فرشته هستند كه از هنگام شهادتش آشفته و غم آلود تا روز قيامت بر او مى‌گريند. هر كس او را زيارت كند، وى را تا خانه‌اش بدرقه مى‌كنند، و هر كه مريض شود به عيادتش مى‌روند، و هر كه بميرد جنازه‌اش را تشييع مى‌كنند». 41**

**5- زيادتى در عمر و رزق**

**امام باقر (ع) فرموده است : «شيعيان ما را به زيارت قبر حسين (ع) امر كنيد ، زيرا زيارت او موجب فزونى در رزق و طول عمر و دفع بلايا و ناگواريها مى‌شود » . 42**

**6- آمرزش گناهان**

**امام صادق (ع) فرمود: «هر كس حسين (ع) را زيارت كند در حاليكه عارف به حق او بوده و به امامتش اقرار داشته باشد خداى سبحان ،گناهان گذشته و آينده‌اش را مى‌آمرزد». 43**

**و جابر جعفى در ضمن يك حديث طولانى از امام صادق (ع) روايت كرده است كه فرمود: «چون از نزد قبر حسين (ع) بازگشتى ، ندا كننده‌اى تو را ندا مى‌دهد كه اگر آن را مى‌شنيدى ، تمام عمر را نزد قبر شريف حسين (ع) اقامت مى‌گزيدى. آن منادى گويد:خوشا به حال تو اى بنده خدا كه سود فراوان بردى و به سلامت (در دين ) دست يافتى. عمل از سربگير كه گناهان گذشته‌ات آمورزيده شد» . 44**

**7- محسوب نشدن ايام زيارت از عمر زائر**

**امام صادق (ع) فرمود: «همانا ايام زيارت زائران حسين بن على (ع) از عمرشان محسوب نگشته و جزء حياتشان به شمار مى‌آيد» . 45**

**8- حفاظت زائر در دنيا و آخرت**

**عبدالله بن هلال به امام صادق (ع) عرض كرد: فدايت شوم، كمترين نصيبى كه زائر امام حسين (ع) دارد، چيست ؟ فرمود: «اى عبد الله، كمترين چيزى كه براى او مى‌باشد، اين است كه خداوند او و خانواده‌اش را حفظ مى كند تا وى را به سوى خانواده‌اش باز گرداند، و چون روز قيامت فرا رسد، خداوند حافظ او مى‌باشد» . 46**

**9- عنايت و توجه سيدالشهدا (ع)**

**امام صادق (ع) فرمود: «حسين در نزد پروردگارش ... به زائرانش نظر مى كند . او نگاه مى كند كه چه كسى براى آن حضرت گريه مى كند، پس براى او طلب آمرزش كرده و پدرانش را مى‌خواند تا براى آن زائر دعا كرده و طلب آمرزش و مغفرت نمايند. سپس امام (حسين) مى فرمايد: اگر زائر من مى‌دانست كه خدا چه چيزى براى او عطا مى فرمايد شادى او بيشتر از جزع و بى‌تابى وى مى‌گرديد» . 47**

**و امام حسين (ع) فرمود: «هر كس مرا در زندگانيش زيارت كند، پس از مرگش بازديدش خواهم كرد» . 48**

**10- خير و بركت زياد**

**امام صادق (ع) فرمود: «اگر مردم مى‌دانستند كه چقدر خير و بركت در زيارت امام حسين (ع) وجود دارد ، براى زيارت كردنش با يكديگر مقاتله مى‌كردند، و هر آينه اموالشان را براى رفتن به زيارتش مى‌فروختند» 49**

**و امام باقر (ع) فرمود: «اگر مردم مى‌دانستند كه زيارت قبر شريف حسين (ع) چه مقدار فضيلت و بركت دارد، از شوق زيارت جان مى سپردند و نفسهايشان از شدت حسرت بند مى‌آمد» 50.**

**11- برابرى زيارت قبر حسين (ع) با حج**

**عبدالله بن عبيد انبارى گويد: به امام صادق (ع) عرضه داشتم : فدايت شوم ، همه ساله وسايل تشرف به حج برايم فراهم نمى‌شود. فرمود: «چون قصد حج نمودى و اسباب برايت فراهم نگشت ، به زيارت قبر حسين (ع) برو، كه يك حج برايت نوشته مى شود و چون قصد عمره نمودى و وسايل مهيا نشد ، عزم زيارت قبر حسين (ع) نما، كه يك عمره برايت منظور مى شود» 51**

**12- نام زائر در اعلى عليين ثبت مى‌شود**

**امام صادق (ع) فرمود: «هر كس به زيارت قبر حسين (ع) برود در حالى كه عارف به حق او باشد، خداوند نام او را در اعلى عليين مى‌نويسد» . 52**

**13- غرق شدن در رحمت الهى**

**از امام صادق (ع) پرسيدند: ثواب كسى كه قبر امام حسين (ع) را زيارت كند، در حالى كه كبر و غرور نداشته باشد چيست ؟ فرمود: «برايش هزار عمره و حج مقبول نوشته مى شود . اگر شقى باشد، سعيد نوشته مى‌گردد، و پيوسته در رحمت الهى غوطه‌ور خواهد بود» . 53**

**14- دعاى معصومين براى زائر**

**معاوية بن وهب از امام صادق (ع) نقل نموده كه فرمود: «اى معاويه، زيارت قبر حسين (ع) را از روى ترس وامگذار ، زيرا هر كه آن را ترك كند ، چنان دچار حسرت مى‌شود كه آرزو نمايد قبرش نزد او باشد . آيا دوست ندارى كه خداوند تو را در زمره كسانى به حساب آورد كه رسول خدا (ص) و على و فاطمه و امامان معصوم (ع) برايش دعا مى‌كنند؟» 54.**

**و نيز فرمود: «همانا فاطمه (س) دختر محمد (ص) نزد زائران قبر فرزندش حسين (ع) حضور يافته و براى گناهانشان طلب آمرزش مى‌كند». 55**

**15- تجلى خدا**

**امام صادق (ع) فرمود: «به درستى كه خداى تبارك و تعالى، قبل از اهل عرفات ، براى زائران قبر حسين (ع) تجلى مى نمايد، حوايج آنان را بر آورده مى‌كند ، گناهانشان را آمرزيده و درخواستهايشان را به اجابت مقرون مى‌سازد ، و سپس متوجه اهل عرفات شده و در مورد آنان نيز اينگونه عمل مى‌كند». 56**

**16- سعادت**

**امام صادق (ع) به عبدالملك خثعمى فرمود: «زيارت حسين بن على (ع) را ترك مكن و دوستانت را نيز به آن فرمان بده، تا خداوند بر عمرت افزوده و روزيت را زياد گرداند. خداوند سبحان زندگانى تو را در سعادت قرار خواهد داد، و نمى‌ميرى مگر سعادتمند ، و تو را در سلك سعادتمندان خواهند نوشت » . 57**

**17- تأثير زيارت در روز عاشورا**

**امام صادق (ع) فرمود: «هر كس قبر حسين را در روز عاشورا زيارت كند ، همانند كسى است كه در برابر او به خون خود غلطيده باشد» 58.**

**18- قرار گرفتن در جوار پيامبر و على و فاطمه (ع)**

**امام صادق (ع) فرمود: «هر كس مى‌خواهد در جوار پيامبر (ص) و على و فاطمه (ع) باشد، نبايد زيارت حسين بن على (ع) را ترك كند» 59.**

**19- تأثير زيارت در روز قيامت**

**امام صادق (ع) فرمود: «هيچ كس در روز قيامت نيست مگر آنكه آرزو مى‌كند كه اى كاش از زائرين امام حسين (ع) مى‌بود زيرا مشاهده مى‌نمايد كه با زائران حسين (ع) به واسطه مقامى كه در نزد پروردگار دارند، چگونه عمل مى‌شود» . 60**

**و نيز فرمود: «هر كس دوست دارد در روز قيامت بر سر سفره‌هايى از نور بنشيند پس بايد از زائرين حسين بن على (ع) باشد» 61.**

**و زرارة بن اعين گويد: «امام صادق (ع) فرمود: «زائرين حسين يك برترى نسبت به ساير مردم دارند» پرسيدم : برتريشان چيست ؟ فرمود: «چهل سال قبل از مردم وارد بهشت مى‌شوند در حالى كه ديگران هنوز در حال حساب هستند» . 62**

**20- رهايى از شدايد قيامت**

**رسول گرامى اسلام (ص) فرمود: «من تعهد مى‌كنم كه در روز قيامت هنگامه رستاخيز ، ضمن ملاقات با زائر حسين (ع)، دستش را بگيرم و از مراحل هول‌انگيز و سختيهاى قيامت نجاتش بخشيده و او را به بهشت وارد كنم»63.**

**21- نجات از آتش جهنم**

**امام صادق (ع) فرمود: «هر كس قبر حسين (ع) را به خاطر خداوند و در راه خدا زيارت نمايد، خداوند او را از آتش دوزخ آزاد مى‌سازد، و روز ترس بزرگ (قيامت) او را ايمن مى‌دارد . از خداوند نيز هيچ حاجتى از حوائج دنيا و آخرت را طلب نمى‌كند مگر آنكه به او عطا مى‌نمايد» 64.**

**اين آثار و آثار ديگرى كه به خاطر اجتناب از طولانى شدن مطلب ذكر نكرديم ، همگى به بركت وجود حضرت سيدالشهدا (ع) است كه اميدوارم هر چه زودتر توفيق زيارت مرقد مطهرش نصيب تمام عاشقان گردد.**

**بخش پنجم : آثار و بركات مرقد شريف سيدالشهداء (علیه السلام)**

**سخنى پيرامون مرقد سيدالشهدا (علیه السلام)**

**اگر چه قبر حقيقى سيدالشهدا (ع) در دلها و قلبهاست كه بناى آن از دوران كودكى در سرزمين دل شيعيان و عاشقانش گذارده شد؛ اما مرقد شريف آن حضرت همواره از آثار و بركات متعددى برخوردار بوده است .**

**ضريح مقدس و حرم مطهر امام حسين (ع) يادگارى از جان نثارى و فداكارى او و يارانش در راه خدا مى‌باشد. مرقدى كه جاى عترت آدميان براى ابد و دوام خواهد بود، و سزاوار است كه اين بارگاه شريف و غم‌انگيز و شور آفرين، همواره زيارتگاه مردم جهان شده و انسانها ، فداكارى و عشق و صفا را از خفتگان اين مرقدهاى شريف ، سرمشق گيرند.**

**حرم حسين كعبه دلهاست . و اين كعبه طوافگاه زائران و قبله اميدواران و دارالشفاى دردمندان و پناهگاه توبه كنندگان و گنهكاران است.**

**آرى، عاشقان كويش و دلباختگان رويش ، پروانه‌وار خود را در اطراف ضريح مطهرش گردانيده و به آتش عشق و محبت او، پر و بال خويش را مى‌سوزانند و اشك شوق و اشتياق بر چهره و رخسار مى‌افشانند، و بر مظلومى و مصيبتهاى او و خاندانش ناله سر مى‌دهند براستى «اين چه شمعى است كه جانها همه پروانه اوست».**

**برگرد حريم تو ، كه دست طلب ماست‌**

**چون دامن شمعى است، كه پروانه بگيرد**

**فضل و شرافت كربلا و مرقد مطهر سيدالشهدا (ع) چنان است كه امام صادق (ع) فرمود: «قبر ابى عبدالله الحسين (ع) از آن روزى كه در آنجا دفن شد، باغى از باغهاى بهشتى است» 65.**

**با ذكر اين مختصر ، شايسته است جهت آگاهى و آشنايى با چگونگى حرم و مرقد شريف امام حسين (ع) و تحولات عمارت شريف ، مطالبى به طور اجمال ذكر گردد.**

**محل دفن آن حضرت كه همان گودال قتلگاه است ، اكنون داراى سقفى است كه روى آن صندوق مبارك نهاده شده و روى صندوق ، ضريح در ميان روضه منوره ، و روضه نيز در بين مسجد (مسجد بالا سر و مسجد پشت سر) و در طرف پايين پا در زاويه روضه قبور شهدا مى‌باشد اين مجموعه هم اكنون حرم امام حسين (ع) را تشكيل مى‌دهد، و حرم نيز ميان رواق و رواق در وسط صحن و صحن محور آبادانى زمين كربلا بوده و مى‌باشد.**

**ضريح مقدس در وسط واقع است و از نقره خالص ساخته شده كه در پيش روى آن با طلا و به خط نسخ نوشته شده: «ولا تحسبن الذين قتلوا فى سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»، و در بالاى سر، «آيه نور» نوشته شده است .**

**صحن مطهر حسين (ع) داراى هفت باب است كه عبارتنداز: 1- باب قبله كه ساعتى بر فراز آن نصب است ، 2- باب قاضى الحاجات 3- باب زينبيه كه در حدود تل زينبيه قرار دارد 4- باب سلطانى 5- باب بازار بزازها 6- باب سدره كه در شمال صحن بوده و به بازار و اطراف راه دارد 7- باب صافى كه به درب بين الحرمين نيز معروف است.**

**از اخبار چنين بر مى‌آيد كه بارگاه حسينى هفت مرتبه - به غير از عمارت موجود - بنا نهاده شده است .**

**عمارت اول: بارگاه سيدالشهدا (ع) پس از ساختن قبر شريف آن حضرت براى اولين بار در دوران بنى اميه بنا گرديد ، اخبار و روايات بسيارى آمده كه در زمان بنى اميه سقفى بر روى مزار امام و مسجدى (ظاهراً توسط بنى اسد) نزديك آن ساخته شد و تا زمان هارون الرشيد (سال 193 ) همچنان باقى بود.**

**عمارت دوم : بعد از تخريب مرقد شريف ، توسط هارون ، در زمان مأمون خليفه عباسى، عمارت دوم بنا شد، و تا سال 232 باقى بود .**

**اما از آن سال تا سال 247 متوكل چهار بار امر به خرابى و انهدام قبر كرد، و اوقاف حاير مبارك را برد و ذخاير آن را تاراج كرد.**

**عمارت سوم : سومين بار مرقد مطهر امام به دست «منتصر» تجديد بنا شد، و تا سال 273 باقى بود.**

**عمارت چهارم : تجديد بناى مرقد امام براى چهارمين بار به دست محمد بن زيد بن حسن بن محمد بن اسماعيل بن زيد بن على بن الحسين بن على بن ابيطالب ، ملقب به «داعى صغير» پادشاه طبرستان انجام گرفت.**

**عمارت پنجم : بناى عضد الدوله ديلمى بود، كه در سال 369 بنا شد، و در زمان او بود كه رواقى به دست عمران بن شاهين معروف به «رواق عمران» در حاير حسين ساخته شد.**

**عمارت ششم : ششمين بار بارگاه حسين به دست حسن بن مفضل بن سهلان ابومحمد رامهرمزى ، وزير سلطان الدوله ديلمى نوسازى شد.**

**عمارت هفتم : عمارت موجود است كه در سال 767 بعد از سرنگونى دولت آل بويه به سال 310 به دستور سلطان اويس ايلخانى ساخته شد، و در سال 786 فرزندش احمد بن اويس در تكميل آن كوشيد و تاريخ آن در بالاى محراب و نزديك سر شريف آن حضرت نگاشته شده است . 66**

**و اما آثار و بركات مرقد شريف و حرم مطهر سيدالشهدا (ع) عبارتنداز:**

**1- مرقد حسينى ، نيروبخش است**

**با ذكر اجمالى تحولاتى كه در عمارت مرقد مطهر امام حسين (ع) صورت گرفته است به خوبى معلوم مى‌گردد كه زيارت قبر آن حضرت در مبارزه با حكومت بنى عباس تأثير مهمى داشته است ، و به همين دليل بود كه عباسيان قبر آن امام را دشمن خود مى‌دانستند و به ويرانى آن دست مى‌زدند ، زيرا اين قبر شريف به مركز تجمع مخالفان و مبارزان تبديل شده بود.**

**مشاهده مزار و مرقد شهيدان كربلا و به نظر در آوردن آن مصائب جانگذار ، حالت بيننده را دگرگون ساخته و استقامت حال او را به هم زده و وارونه مى سازد، كه چگونه عده‌اى قليل در مقابل جمعى كثير و سپاهى مجهز و مهيا تن به مرگ داده و روى عقيده و ايمان خود ثبات قدم داشته و تا آخرين قطره خون خود مبارزه و جانفشانى نمودند.**

**2- محل نزول فرشتگان الهى**

**امام صادق (ع) فرمود: «ما بين قبر حسين (ع) تا آسمان، محل رفت و آمد فرشتگان الهى است ». 67**

**و نيز فرمود: «قبر حسين بن على (ع) بيست ذراع در بيست ذراع است . آن باغى از باغهاى بهشت ، و محل عروج فرشتگان به آسمان مى‌باشد هيچ فرشته مقرب و پيامبر مرسلى نيست جز آنكه از خدا مى‌خواهد كه او را زيارت كند پس گروهى فرود مى‌آيند و گروهى بالا مى‌روند» 68.**

**3- نماز قبول مى‌شود**

**اگر انسان زائر ، حق امام را شناخته و با معرفت و ولايت او در كنار قبر مطهرش نماز گذارد ، مورد قبول حق تعالى قرار مى‌گيرد . چنانكه امام صادق (ع) در شأن و مقام كسى كه به مرقد و بارگاه شريف حضرت مشرف شده و نماز بخواند ، فرمود: «خداوند متعال اجر نمازش را قبولى آن قرار مى‌دهد» 69.**

**4- تمام خواندن نماز**

**حضرت امام جعفر صادق (ع) فرمود: «نماز در چهار مكان تمام خوانده مى‌شود (يعنى اگر چه از حد مسافت شرعى هم بيشتر باشد اما شكسته نمى‌شود) : 1- مسجد الحرام (مكه) ، 2- مسجد الرسول (مدينه)، 3- مسجد كوفه، 4- حرم امام حسين (ع) » 70.**

**و نيز روايت شده كه «ابن شبل» از امام صادق (ع) پرسيد: آيا قبر امام حسين (ع) را زيارت كنم ؟ فرمود: پاك و خوب زيارت كن و نمازت را در حرمش تمام بخوان . پرسيد نمازم را تمام بخوانم؟ فرمود: تمام. عرض كرد : بعضى از اصحاب و شيعيان شكسته مى‌خوانند؟ فرمود: اينان دو چندان عمل مى‌كنند » 71.**

**لذا چنانكه در رساله‌هاى عمليه نيز آمده است ، در حرم امام حسين (ع) مى‌توان نماز را، هم شكسته خواند و هم به بركت آن حضرت تمام بجا آورد.**

**5- اجابت دعا و برآورده شدن حاجت**

**خداوند سبحان در ازاى ايثار و فداكارى سيدالشهدا (ع) و تحمل هرگونه سختى چون تشنگى و غم و اندوه فراوان براى حفظ اسلام، در مرقد شريفش بركاتى را قرار داده كه از جمله آنها اجابت دعا و برآورده شدن حاجات است . چنانكه امام صادق (ع) فرمود: «هر كس دو ركعت كنار قبر حسين (ع) نماز بخواند ، از خداوند چيزى رإ؛88ّّ مسئلت نكند جز اينكه به او عطا شود» . 72**

**و نيز فرمود: «خداوند در عوض قتل امام حسين (ع) امامت را در ذريه آن حضرت ، شفا را در تربتش ، اجابت دعا را در كنار مرقدش قرار داده ، و ايام زيارت كنندگان او از عمرشان حساب نمى‌شود» . 73**

**بخش ششم : آثار و بركات تربت پاك سيد الشهداء(علیه السلام)**

**سخنى پيرامون تربت سيدالشهدا (علیه السلام)**

**سجده بر خاك تو شايسته بود وقت نماز**

**اى كه از خون جبينت به جبين آب وضوست‌**

**فضيلت و آثار و بركاتى كه براى تربت حسينى است ، براى هيچ تربتى و قطعه‌اى از قطعات زمين نيست . خاك كربلا قطعه‌اى از بهشت است كه خداوند قادر متعال به واسطه قدردانى از يك فداكار در راه دين كه تمام هستى خود را فدا كرده ، در آن خاك، بركت و فضيلت و شفا قرار داده است .**

**كربلايش قطعه‌اى از جنت است‌**

**باب نور و باب لطف و رحمت است‌**

**اما در اينكه چرا تنها اين خاك داراى چنين ويژگيها و آثار و بركات است؟ بايد گفت : هر چيزى كه در اين عالم ، شرافت ظاهرى و يا معنوى پيدا مى‌كند، يا به خاطر انتساب آن به خداوند سبحان و شرافت ذاتى است، و يا به خاطر وقوع امر خارق العاده و مهمى است كه به آن شرافت و بركت داده است .**

**در تربت كربلاى سيدالشهدا (ع) هر دو امر محقق شده است ، زيرا خاك كربلا بنا بر رواياتى ، هم شرافت ذاتى و خدا دادى ، و هم امر عظيم و واقعه‌اى مهم در آنجا واقع گرديده كه آن شهادت حسين بن على (ع) و ياران وفادارش مى‌باشد ، لذا داراى فضيلت و آثارى خاص است .**

**آمده است كه چون بر قبر امام حسين (ع) آب بستند، پس از چهل روز آب فرو نشست و اثر قبر محو گرديد، يكى از اعراب بنى اسد آمد و از خاك قبضه قبضه برداشت و بوييد تا بر قبر حسين رسيد، و چون او را مى‌بوسيد گريه مى‌كرد و مى‌گفت : پدر و مادرم به فدايت ، چه اندازه خوشبويى كه قبر و تربت تو چنين خوشبو است ، سپس شروع كرد به سرودن :**

**خواهند نهان سازند قبرش ز حبيبش‌**

**خوشبويى خاك قبر گرديده دليلش‌**

**آرى خاك مزار حسين (ع) سرمه چشم عاشقان و شيفتگانش بوده و ايشان را مجنون وار به سوى خود مى‌كشاند.**

**از آنجايى كه هدف اين كتاب بر شمردن آثار و بركات سيدالشهدا (ع) است ، از تفصيل در مطلب پرهيز كرده و علاقه‌مندان به اين مقوله را به كتابهاى مربوط ارجاع مى‌دهد .**

**و اما آثار و بركاتى كه مى توان براى تربت پاك حسينى برشمرد عبارتنداز:**

**1- تأثير تماس اعضاى بدن با تربت**

**يكى از آثار و بركات تربت سيدالشهدا (ع) اين است كه متبرك نمودن بدن و صورت با آن تربت شريف تأثير معنوى زيادى بر انسان خواهد گذاشت ، از اين رو از بعضى بزرگان دين و امامان معصوم نقل شده كه بعد از نماز ، بدن و صورت خويش را با مهر كربلا متبرك مى كنند. و نيز دستور داده‌اند كه قبل از خوردن تربت جهت شفا گرفتن، آن را بوسيده و با اعضاى بدن تماس داده شود.**

**امام صادق (ع) فرمود: «خداوند متعال تربت جدم حسين (ع) را شفاى هر درد، و ايمنى از هر خوفى قرار داده است؛ پس هرگاه يكى از شما خواست از آن خاك تناول كند، ببوسد و آن را به چشم گذارد و بر ساير اعضاى بدنش تماس دهد...» 74**

**2- سجده بر تربت**

**يكى ديگر از بركات و آثار خاك مزار امام حسين (ع) اين است كه سجده بر آن تربت پاك حجابهاى ظلمانى را كنار زده و در توجه حق تعالى به نمازگزار مؤثر است . امام صادق (ع) در اين باره مى‌فرمايد: «همانا سجود بر تربت حسين (ع) حجابهاى هفتگانه را پاره مى كند». 75**

**لازم به ذكر است كه مراد از «حجاب» در كتاب و سنت ، همان حجابهايى است كه بين بنده و خالق حايل شده و او را از شهود خداوند محجوب مى سازد كه در مرحله اول، حجابهاى ظلمانى و در مرحله دوم ، حجابهاى نورانى بر طرف مى‌شود اما مراد از حجابهاى هفتگانه ، ظاهراً حجابهاى ظلمانى است . سجده بر تربت حضرت سيدالشهدا(ع) اين خاصيت را دارد كه در صورت معرفت به حق حضرت و ولايت او، حجابها را دريده و راهگشاى وصول به كمالات انسانى باشد.**

**سجده بر خاك سركوى تو آرند خلايق‌**

**جان فداى تو كه هم قبله و هم قبله نمايى‌**

**و اما در خصوص اينكه در ميان شيعه معمول است از خاك مقدس كربلا يعنى تربت كنار قبر سيدالشهدا (ع) خاك برداشته و با آن مهر درست كرده و غالباً در نماز، به آن سجده مى‌كنند بدين خاطر است كه از خاك زمين بوده و به تمامى خاكها مى‌توان سجده كرد، و از طرفى خاك كربلا به لحاظ شهادت امام حسين (ع) و ياران باوفايش شرافت پيدا كرده است ، به طورى كه اهل بيت (ع) نيز به ما فرموده‌اند در هر نمازى كه سجده بر تربت كربلا باشد خداوند آن نماز را به خاطر آن حضرت قبول مى‌كند. چنانكه حضرت صادق (ع) از خاك كربلا درون كيسه‌اى ريخته و در سجاده همراه داشت، در هنگام نماز آن كيسه را باز مى‌كرد و بر آن سجده مى‌نمود.**

**3- شفا يافتن**

**از جمله آثار و بركات قطعى تربت پاك سيدالشهدا (ع) شفا بودن آن براى دردهاو آلام انسان است . رواياتى كه دلالت بر اين امر دارند به سه دسته تقسيم مى‌شوند:**

**دسته اول : رواياتى است كه شفا بودن را براى تربتى كه از خود قبر شريف برداشته شود مخصوص كرده است ، چنانكه امام صادق (ع) فرمود: «به درستى كه نزد سر حسين (ع) تربت سرخى است كه شفاى هر دردى غير از مرگ مى باشد» . 76**

**دسته دوم : رواياتى است كه با تعبيرات مختلف توسعه‌اى از بيست ذراع تا پنج فرسخ و يا ده ميل را براى آن قائل است . چنانكه امام صادق (ع) فرمود: «حريم مزار حسين (ع) پنج فرسخ از چهار جانب قبر است ». 77**

**دسته سوم : رواياتى است كه به طور مطلق جنبه شفا بودن تربت را مطرح نموده‌اند . چنانكه امام صادق (ع) فرمود: «خاك مزار امام حسين (ع) براى هر دردى شفاست». 78**

**تا شفا بخشد روان و جسم هر بيمار را**

**در حريم وصل خود خاك شفا دارد حسين‌**

**و نيز امام رضا (ع) فرمود: «خوردن گل، مانند خوردن مردار و خون و گوشت خوك، حرام است مگر گل مزار حسين (ع) ، بدرستى كه در آن شفاى هر درد و امنيت از هر ترسى است». 79**

**حكايت: عالم زاهد پرهيزگار حجةالاسلام و المسلمين مرحوم آقاى حاج شيخ محمد حسن عالم نجف آبادى قدس سره نقل فرمودند: «من در زمان مرجعيت مرحوم آية الله آخوندى خراسانى (ره) كه در نجف اشرف مشغول تحصيل بودم مريض شدم و اين بيمارى مدتى طول كشيد و پرستارى مرا بعضى از طلاب در همان حجره مدرسه بر عهده داشتند . پس از چندى بيمارى من به قدرى شديد شد كه اطبا از شفا يافتنم مأيوس شدند و ديگر براى معالجه‌ام نيامدند، و من در حال تب شديد گاهى بيهوش مى‌شدم و گاهى به هوش مى آمدم.**

**يكى از رفقا كه مرا پرستارى مى‌كرد شنيده بود كه عالم زاهد مرحوم آية الله آقاى حاج على محمد نجف آبادى قدس سره مقدارى از تربت اصلى حضرت سيدالشهدا (ع) را دارد. او به منزل معظم له رفته و از وى خواسته بود كه قدرى از آن تربت را بدهد كه به من بخورانند تا شفا يابم. ايشان فرموده بود : من به قدر يك عدس تربت دارم و آن را گذاشته ام كه بعد از مرگم در كفنم بگذارند . آن آقا ناراحت شده و گفته بود : حالا كه ما از همه جا مأيوس شده و به شما پناه آورده‌ايم شما هم از دادن تربت خوددارى مى‌كنيد؟ اين بيمار در حال احتضار است و مى‌ميرد.**

**مرحوم آية الله آقاى حاج على محمد، دلش به حال بيمار سوخته و قدرى از آن تربت كه از جان خودش عزيزترش مى داشت به آن شخص داده بود . تربت را با آب مخصوصى كه وارد شده در آب حل كرده و به حلق من ريخته بودند . من كه در حال بيهوشى به سر مى‌بردم ، ناگهان چشمان خود را باز كرده و ديدم رفقا اطراف بسترم نشسته‌اند ، خوب دقيق شدم و آنان را شناختم و قصه تربت را كه به حلقم ريخته بودند برايم شرح دادند.**

**كم كم در خود احساس نيرو و نشاط كردم و حركتى به خود داده نشستم ، ديدم نشاط بيشترى دارم برخاستم و ايستادم ، و چون يقين كردم كه به بركت ترتبت مقدس امام حسين (ع) شفا يافتم حال خوشى پيدا كردم و به رفقا گفتم : از شما خواهش مى كنم كه از حجره بيرون برويد، چون مى‌خواهم زيارت عاشورا را بخوانم رفقا از حجره بيرون رفتند و من درب حجره را بستم و بدون احساس ضعف با آن حال خوشى كه قابل و صف كردن نيست مشغول خواندن زيارت حضرت سيدالشهدا (ع) شدم ». 80**

**آرى ، شفاى بيماران به وسيله تربت آن حضرت يكى از بركاتى است كه خداوند متعال در عوض شهادت امام حسين (ع) به وى عطا فرموده است .**

**تربتت راز شفاى همه درد است حسين**

**تن و جان را نبود مثل تو آگاه طبيب‌**

**4- تأثير كام برداشتن اطفال با تربت**

**كام برداشتن اطفال با تربت امام حسين (ع) موجب ايمنى كودك مى شود چنانكه امام صادق (ع) فرمود:**

**«كام فرزندانتان را با تربت حسين (ع) باز كنيد كه آن امان است ». 81**

**5- تأثير تربت حسين ، همراه جنازه**

**صاحب كتاب «مدارك الاحكام» مى نويسد: در زمان حضرت صادق (ع) زن زاينه‌اى بود، بچه‌هايى كه از زنا بدنيا مى آورد در تنور مى‌انداخت و مى‌سوزانيد. وقتى كه مرد، پس از غسل و كفن او را به خاك سپردند ، اما زمين جنازه‌اش را بيرون انداخت .جاى ديگر او را دفن كردند باز زمين او را نپذيرفت تا سه مرتبه ، آنگاه مادرش به امام صادق (ع) متمسك شد: اى پسر پيغمبر به فريادم برس.**

**فرمود: كارش چه بود ؟ عرض كردند زنا و سوزاندن بچه‌هاى حرامزاده . فرمود: هيچ مخلوقى حق ندارد مخلوقى را بسوزاند، سوزاندن به آتش مخصوص خالق است عرض كرد حالا چه كنم؟ فرمود: مقدارى از تربت حسين (ع) با او در قبر بگذاريد . تربت حسين (ع) امان است . همراهش گذاشتند زمين او را پذيرفت.**

**در توقيع مبارك حضرت حجة بن الحسن (عج) نيز اذن داده شده است . يكى از شيعيان به حضرت (در زمان غيبت صغرى توسط نايب خاص حضرت ) مى‌نويسد: آيا جايز است ما تربت حسين (ع) را با ميت در قبر بگذاريم ، يا با تربت حسين روى كفن بنويسيم؟**

**حضرت در پاسخ مرقوم مى‌فرمايند: هر دو كار پسنديده است . البته بايد رعايت احترام تربت بشود . مهر يا تربت، مقابل يا زير صورت ميت باشد ، بلكه به بركت خاك قبر حسين (ع) قبر ميت محل امنى از هر بلا و آفت و عذابى گردد. 82**

**6- تسبيح تربت**

**از حضرت صاحب الزمان (عج) روايت شده كه فرمود: «هر كس تسبيح تربت امام حسين (ع) را در دست گيرد و ذكر را فراموش كند، ثواب ذكر براى او نوشته مى‌شود». 83**

**و امام صادق فرمود: «يك ذكر يا استغفار كه با تسبيح تربت حسين (ع) گفته شود برابر است با هفتاد ذكر كه با چيز ديگر گفته شود». 84**

**بخش هفتم : آثار و بركات عزادارى و گريه بر سيدالشهداء (علیه السلام)**

**سخنى پيرامون عزادارى و گريه بر سيدالشهدا (علیه السلام)**

**«گريه» مظهر شديدترين حالات احساسى انسان است، و علتها و انگيزه‌هاى مختلفى دارد كه هر يك از آنها نشان دهنده حالتى خاص است . در روايات ، بعضى از انواع گريه تحسين شده و از صفات پسنديده بندگان پاكدل خداوند به حساب آمده است ، و بعضى از انواع گريه مذموم شمرده شده است .**

**گريه ، از حالات و انفعالات انسانى است كه با مقدمه‌اى از اندوه و ناراحتى روانى به طور طبيعى به ظهور مى‌رسد، و گاه ممكن است انگيزه‌اش هيجانات تند روانى باشد . مثل شوق و ذوقى كه از ديدار محبوب پس از زمانى طولانى ناشى مى شود. همچنين گاهى هم گريه كردن حاكى از عقايد مذهبى انسان است با اين توصيف، از آنجايى كه گريه عملى طبيعى و اى بسا غير ارادى است؛ لذا نمى شود مورد امر و نهى و حسن و قبح قرار گيرد، بلكه آنچه كه مورد حسن و قبح است، مقدمات و انگيزه‌هاى گريه مى‌باشد . چنانكه گفته‌اند: «تو آنى كه در بند آنى».**

**در اينجا براى اينكه بدانيم گريه بر سيدالشهدا (ع) چگونه گريه‌اى است و چه تأثيرات و بركاتى مى‌تواند داشته باشد، بهتر آن است كه اشاره‌اى به انواع گريه كنيم تا بعد از آن، نوع گريه بر آن حضرت برايمان معلوم گردد.**

**1- گريه طفوليت : زندگانى انسان با گريه شروع مى شود كه همان گريه، نشانه سلامت و تندرستى نوزاد است، و در واقع گريه در آن زمان ، زبان طفل است .**

**2- گريه شوق: مانند گريه مادرى كه از ديدن فرزند گمشده خويش پس از چندين سال سرداده مى‌شود . و اين گريه‌اى است كه از روى هيجان و احياناً جهت سرور و شادى به انسان دست مى‌دهد.**

**3- گريه عاطفى و محبت : محبت از عواطف اصيل انسانى است كه با گريه انس ديرينه دارد . مثلاً محبت حقيقى به خداوند حسن آفرين است و براى قرب به او بايد اشك محبت ريخت.**

**صنما با غم عشق تو چه تدبير كنم‌**

**تا به كى در غم تو ناله شبگير كنم‌**

**4- گريه معرفت و خشيت: انجام عبادات خالصانه و تفكر در عظمت آفرينش و كبريايى خداوند ، و همچنين اهميت تكاليف و مسئوليتهاى انسانى باعث مى‌گردد كه نوع خاصى از خوف، در درون انسان ايجاد شود و اين خوف، خوفى است كه از روى معرفت به خداوند و تهذيب نفس به دست مى‌آيد كه «خشيت » ناميده مى شود.**

**5- گريه ندامت: از عوامل اندوه زدايى كه منجر به گريه مى‌گردد، محاسبه نفس و حسابرسى شخصى است ، و همين حسابرسى باعث مى‌شود كه انسان به گذشته خود فكر كند و با حسابرسى ، جبران كوتاهى و خطاها را بكند و اشك حسرت و ندامت از چشمانش جارى نمايد، اين گريه، نتيجه توبه و بازگشت به خداست.**

**اشك ميغلتد به مژگانم به جرم رو سياهى‌**

**اى پناه بى پناهان، مو سپيد روسياهم‌**

**روز و شب از ديدگان اشك پشيمانى فشانم‌**

**تا بشويم شايد از اشك پشيمانى گناهم‌**

**6- گريه پيوند با هدف : گاهى قطره‌هاى اشك انسان، پيام آور هدفهاست . گريه بر شهيد از اين نوع گريه است . گريه بر شهيد خوى حماسه را در انسان زنده مى‌كند و گريستن بر سيدالشهدا (ع) خوى حسينى را در انسان احيا مى‌كند ، و خوى حسينى چنان است كه نه ستم مى‌كند و نه ستم مى‌پذيرد. آن كسى كه با شنيدن حادثه كربلا قطره اشكى از درون دل بيرون مى‌فرستد، صادقانه اين پيوند با هدف والاى سيدالشهدا (ع) را بيان مى‌كند.**

**7- گريه ذلت و شكست : گريه افراد ضعيف و ناتوانى كه از رسيدن به اهداف خود مانده‌اند و روح و شهامتى براى پيشرفت در خود نمى‌بينند.**

**با ذكر اين مطلب، حال بايد بررسى كرد كه گريه بر حسين (ع) از چه نوع گريه است . هر كس با اندك توجهى خواهد دانست كه گريه بر حسين (ع) گريه محبت است ، آن محبتى كه در دلهاى عاشقانش به ثبت رسيده است . گريه بر او ، گريه شوق است ، زيرا قسمت زيادى از حماسه‌هاى كربلا، شوق آفرين و شورانگيز است و به دنبال آن سيلاب اشك شوق به خاطر آن همه رشادت، فداكارى ، شجاعت و سخنرانيهاى آتشين مردان و زنان به ظاهر اسير ، از ديدگان شنونده سرازير مى‌گردد و نيز گريه معرفت و پيوند با هدف متعالى و انسان ساز او است؛ و به تعبير امام خمينى (ره) گريه سياسى است كه فرمود: «ما ملت گريه سياسى هستيم ، ما ملتى هستيم كه با همين اشكها سيل جريان مى‌دهيم و سدهايى را كه در مقابل اسلام ايستاده است خرد مى‌كنيم ».**

**هزار سال فزون شد ز وقعه عاشورا**

**ولى ز تعزيه هر روز، روز عاشور است‌**

**هيهات كه گريه بر حسين (ع) گريه ذلت و شكست باشد، بلكه گريه پيوند با سرچشمه عزت است، گريه امت نيست، كه گويا است ، گريه سرد كننده نيست ، كه حرارت بخش است، گريه بزدلان نيست، كه گريه شجاعان است ، گريه يأس و نااميدى نيست كه گريه اميد است، و بالاخره گريه معرفت است و گريه معرفت در عزاى حسين (ع) از انحراف و تحريف در قيام آن حضرت جلوگيرى مى كند و شايد به همين جهت باشد كه در فضيلت گريه بر سيدالشهدا (ع) روايات متعددى وارد شده است . از آن جمله، روايتى است كه امام صادق (ع) فرمود: «گريه و بى تابى در هر مصيبت براى بنده مكروه است، مگر گريه بر حسين بن على (ع) كه اجر و ثواب نيز دارد» . 85**

**گريه و عزادارى براى سيدالشهدا(ع) داراى آثار و بركات مهمى است كه به برخى از آنها اشاره مى‌شود:**

**1- حفظ رمز نهضت حسينى**

**از ارزنده‌ترين آثار و بركات مجالس عزادارى و گريه بر ابى عبدالله حسين (ع) حفظ رمز نهضت حسينى است .**

**براستى ؛ چرا در دوران منحوص سلاطين و پادشاهان جور از برپايى مجالس عزاى اهل بيت (ع) به خصوص سالار شهيدان جلوگيرى مى شد؟ آيا نه اين است كه عزاى حسينى و امامان شيعه، سبب مى شود كه سخنوران و دانشمندان متعهد و انقلابى، مردم را از ظلم‌هاى حكومتها آگاهى دهند و انگيزه قيام آن حضرت كه امر به معروف و نهى از منكر است به اطلاع مردم برسد؟**

**آرى، اينگونه مجالس، آموزشگاهها و دانشگاههايى است كه به بهترين روش و زيباترين اسلوب مردم را به سوى دين خوانده و عواطف را آماده مى‌كند و جاهلان و بى‌خبران را از خواب سنگين غفلت بيدار مى‌سازد و نيز در اين مجالس است كه مردم ، ديانت را همراه با سياست، از مكتب حسين بن على (ع) مى‌آموزند.**

**گريه بر سيد الشهدا (ع) و تشكيل مجالس عزاى حسينى نه تنها اساس مكتب را حفظ مى‌كند، بلكه باعث مى‌گردد شيعيان با حضور در اين مجالس از والاترين تربيت اسلامى برخوردار شده و در جهت حسينى شدن رشد و پرورش يابند.**

**كدام اجتماعى است كه در عالم چنين اثرى را از خود بروز داده باشد؟ كدام حادثه‌اى است مانند حادثه جانسوز كربلا كه از دوره وقوع تاكنون و بعدها بدينسان اثر خود را در جامعه بشريت گذارده ، و روز به روز دامنه آن وسيعتر و پيروى و تبعيت از آن بيشتر گردد؟ از اين رو بايد گفت كه در حقيقت مراسم عزادارى حافظ و زنده نگهدارنده نهضت مقدس امام حسين (ع) و در نتيجه حافظ اسلام وضامن بقاى آن است .**

**تشكيل مجالس عزادارى حسين، نه تنها اساس مكتب را حفظ كرده و مى‌كند بلكه به علاوه سبب آن گرديد كه شيعيان با حضور در اين مجالس از والاترين تربيت اسلامى برخوردار شده و در جهت حسينى شدن رشد و پرورش يابند.**

**«موريس دوكبرى» مى‌نويسد: «اگر مورخين ما، حقيقت اين روز را مى‌دانستند و درك مى‌كردند كه عاشورا چه روزى است ، اين عزادارى را مجنونانه نمى پنداشتند . زيرا پيروان حسين به واسطه عزادارى حسين مى‌دانند كه پستى و زير دستى و استعمار را نبايد قبول كنند . زيرا شعار پيشرو و آقاى آنان تن به زير بار ظلم و ستم ندادن است.**

**قدرى تعمق و بررسى در مجالس عزادارى حسين نشان مى‌دهد كه چه نكات دقيق و حيات بخشى مطرح مى شود ،در مجالس عزادارى حسين گفته مى شود كه حسين (ع) براى حفظ شرف و ناموس مردم و بزرگى مقام و مرتبه اسلام، از جان و مال و فرزند گذشت و زير بار استعمار و ماجراجويى يزيد نرفت؛ پس بياييد ،ما هم شيوه او را سرمشق قرار داده از زير دستى استعمار گرايان خلاصى يابيم و مرگ با عزت را بر زندگى با ذلت ترجيح دهيم...» 86.**

**2- ازدياد محبت به امام، و تنفر از دشمنان آن حضرت**

**سوزى كه از دل سوخته عاشقان سيدالشهدا (ع) به چشم سرايت كرده و از مجارى دو چشم آنها به صفحه رخسار وارد مى شود، مراتب علاقه و اخلاص و دلبستگى به خاندان وحى و رسالت را مى‌رساند و اين عمل اثرى مخصوص در ابقاى مودت و ازدياد محبت دارد.**

**گريه بر حضرت سيدالشهدا (ع) از مواردى است كه هيچ انسانى از فرط دلسوزى و انقلاب، طاقت بردبارى و تحمل در برابر استماع مصائب او را ندارد، و اين گريه و بيقرارى ، علاوه بر ازدياد محبت و مهر و مودت، موجب كثرت تنفر و بى‌زارى از دشمنان و قاتلان آن حضرت شده و موجب برائت دوستداران اين خانواده از دشمنان ايشان مى‌گردد.**

**بارى، گريه با آگاهى و معرفت بر امام حسين (ع) ، در واقع، اعلام انزجار از قاتلان اوست و اين تبرى از آثار برجسته گريه بر امام حسين (ع) است زيرا مردم به ويژه افرادى كه داراى شخصيت هستند از گريه كردن در برابر حوادث تا سر حد امكان امتناع مى‌ورزند ، و تا شعله درونى آنان به مرتبه انفجار نرسد حاضر به گريه كردن مخصوصاً در برابر چشم ديگران نيستند، اين گريه و عزادارى ابراز كمال تنفر در برابر تعدى و تجاوز و ستمگرى و پايمال نمودن حقوق جامعه و به ناحق تكيه زدن بر مسند حكومت آنان مى‌باشد.**

**3- آشنايى با حقيقت دين و نشر آن**

**يكى ديگر از آثار و بركات مجالس عزادارى سيدالشهدا (ع) اين است كه مردم در سايه مراسم عزادارى به حقيقت اسلام آشنا شده و بر اثر تبليغات وسيع و گسترده‌اى كه همراه با اين مراسم انجام مى‌گيرد، آگاهى توده مردم بيشتر شده و ارتباطشان با دين حنيف محكمتر و قويتر مى‌گردد . چه اينكه قرآن و عترت دو وزنه نفيسى هستند كه هرگز از يكديگر جدا نمى‌شوند و اين آگاهى در اقامه ماتم و مراسم سوگوارى عترت رسول اكرم (ص) به خصوص امام حسين (ع) به آحاد مردم داده خواهد شد.**

**4- آمرزش گناهان**

**ريان بن شبيب از امام رضا (ع) روايت كرده كه فرمود: «اى پسر شبيب ، اگر بر حسين (ع) گريه كنى تا آنكه اشك چشمت بر صورتت جارى شود، خداوند گناهان كوچك و بزرگ، و كم يا زياد تو را مى آمرزد» 87**

**و نيز فرمود: «گريه كنندگان بايد بر كسى همچون حسين (ع) گريه كنند ، زيرا گريستن براى او گناهان بزرگ را فرو مى‌ريزد» 89.**

**5- سكونت در بهشت**

**امام باقر (ع) فرمود: «هر مؤمنى كه در سوگ حسين (ع) اشك ديده ريزد، به حدى كه بر گونه‌اش جارى گردد، خداوند او را ساليان سال در غرفه‌هاى بهشت مسكن مى‌دهد» . 90**

**و نيز امام صادق (ع) فرمود: «هر كس درباره حسين (ع) شعرى بخواند و گريه نمايد و يك نفر را بگرياند، بهشت براى هر دوى آنها نوشته مى‌شود . كسى كه حسين (ع) نزد او ذكر شود و از چشمش به مقدار بال مگسى اشك آيد، اجر او نزد خداست و براى او جز به بهشت راضى نخواهد شد» .91**

**و نيز فرمود: «هر كس كه در عزاى حسين (ع) بگريد يا ديگرى را بگرياند و يا آنكه خود را به حالت گريه و عزا درآورد ، بهشت بر او واجب مى‌شود» 92.**

**6- شفا يافتن**

**يكى ديگر از آثار و بركات مجالس عزادارى حضرت سيد الشهدا (ع) شفا گرفتن است . به طورى كه بارها ديده‌ايم و شنيده‌ايم كه بعضى از عزاداران و گريه كنندگان بر حسين (ع) شفا گرفته‌اند.**

**نقل است كه مرجع بزرگ شيعه مرحوم آية الله العظمى بروجردى در سن نود سالگى داراى چشمانى سالم بودند كه بدون عينك خطوط ريز را هم مى‌خواندند و مى‌فرمودند: اين نعمت را مرهون وجود مبارك حضرت ابى عبدالله الحسين (ع) هستم : و قضيه را چنين نقل مى‌فرمودند:**

**در يكى از سالها در بروجرد بودم، به چشم درد عجيبى مبتلا شدم كه بسيار مرا نگران ساخته بود . معالجه پزشكان فايده‌اى نكرد و درد چشم هر روز بيشتر و ناراحتى من افزونتر مى‌گرديد، تااينكه ايام محرم شد. در ايام محرم آية الله فقيد ، دهه اول را روضه داشتند و دسته‌هاى مختلف هم در اين عزادارى شركت مى‌كردند . يكى از دسته‌هايى كه روز عاشورا به خانه آقا وارد شده بود، «هيئت گِلگيرها» است كه نوعاً سادات و اهل علم و محترمين هستند، در حالى كه هر يك حوله سفيدى به كمر بسته‌اند، سر و سينه خود را گل آلود كرده و بطور بسيار رقت بار و مهيج و در عين حال با سوز و گداز فراوان و ذكرى جانسوز آن روز را تا ظهر عزادارى مى كنند . آقا فرمودند:**

**«هنگامى كه اين دسته به خانه من آمدند و وضع مجلس با ورود اين هيئت هيجان عجيبى به خود گرفته بود من هم در گوشه‌اى نشسته و آهسته آهسته اشك مى‌ريختم و در اين بين هم مقدارى گل از روى پاى يكى از همين افراد گلگير برداشته و بر روى چشمهاى ملتهب و ناراحتم كشيدم، و به بركت همين توسل، چشمانم خوب شد و امروز علاوه بر اينكه متبلا به درد چشم نشدم، از نعمت بينايى كامل برخوردارم، و به بركت حضرت امام حسين (ع) احتياج به عينك هم ندارم». با اينكه همه قواى جسمانى ايشان تحليل رفته بود با اين وجود تا آخرين ساعات زندگانى از بينايى كامل برخوردار بودند.**

**7- گريه كننده بر حسين، در قيامت گريان نيست**

**رسول اكرم (ص) به فاطمه زهرا (س) فرمود: «هر چشمى در روز قيامت گريان است مگر چشمى كه براى مصائب حسين (ع) گريه كرده باشد، چنين كسى در قيامت خندان و شادان به نعمت‌هاى بهشتى است». 93**

**آن روز ديده‌ها همه گريان شود ز هول‌**

**جز چشم گريه كرده بسوگ و عزاى او**

**8- امان از سكرات موت و آتش دوزخ**

**مسمع گويد: حضرت امام صادق (ع) فرمود: آيا متذكر مى شوى با حسين چه كردند؟ عرض كردم : آرى ، فرمود: آيا جزع و گريه مى‌كنى؟ گفتم : آرى ، به خدا سوگند گريه مى‌كنم و آثار غم و اندوه در صورتم ظاهر مى‌شود حضرت فرمود: «خدا اشك چشمت را رحمت كند . آگاه باش كه تو از آن اشخاصى هستى كه از اهل جزع براى ما شمرده مى‌شوند، به شادى ما شاد و به حزن ما محزون و اندوهناك مى‌گردند. آگاه باش كه بزودى هنگام مرگ، پدرانم را بر بالين خود حاضر مى‌بينى ، در حالى كه به تو توجه كرده و ملك الموت را درباره تو بشارت مى دهند، و خواهى ديد كه ملك الموت در آن هنگام از هر مادر مهربان به فرزندش ، مهربانتر است» سپس فرمود: «كسى كه بر ما اهل بيت به خاطر رحمت و مصائب وارده بر ما گريه كند، رحمت خدا شامل او مى‌شود قبل از اينكه اشكى از چشمش خارج گردد؛ پس زمانى كه اشك چشمش بر صورت جارى شود اگر قطره‌اى از آن در جهنم بريزد، حرارت آن را خاموش كند، و هيچ چشمى نيست كه گريه كند بر ما مگر آنكه با نظر كردن به كوثر و سيراب شدن با دوستان، خوشوقت مى‌گردد» . 94**

**با توجه به اين روايت شريف بايد گفت:جايى كه آتش جهنم كه قابل مقايسه با آتش دنيا نيست و به وسيله گريه بر حسين (ع) خاموش و برد و سلام گردد ، پس اگر در موردى، آتش ضعيف دنيا عزادار حسينى را نسوزاند جاى تعجب نيست .**

**سيد جليل مرحوم دكتر اسماعيل مجاب (داندانساز) عجايبى از ايام مجاورت در هندوستان كه مشاهده كرده بود نقل مى‌كرد، از آن جمله مى‌گفت : عده‌اى از بازرگانان هندو (بت پرست) به حضرت سيدالشهدا (ع) معتقد و علاقه مندند و براى بركت مالشان با آن حضرت شركت مى‌كنند، يعنى در سال مقدارى از سود خود را در راه آن حضرت صرف مى‌كنند. بعضى از آنها روز عاشورا به وسيله شيعيان ، شربت و پالوده و بستنى درست كرده و خود به حال عزا ايستاده و به عزاداران مى‌دهند، و بعضى آن مبلغى كه راجع به آن حضرت است را به شيعيان مى‌دهند تا در مراكز عزادارى صرف نمايند.**

**يكى از آنان را عادت چنين بود كه همراه سينه زنها حركت مى‌كرد و با آنها به سينه زدن مشغول مى شد. وقتى از دنيا رفت، بنا به مرسوم مذهبى خودشان، بدنش را با آتش سوزانيدند تا تمام بدنش خاكستر شد جز دست راست و قطعه‌اى از سينه‌اش كه آتش، آن دو عضو را نسوزانيده بود.**

**بستگان آن دو عضو را آوردند نزد قبرستان شيعيان و گفتند: «اين دو عضو راجع به حسين شماست» 95.**

**9- تأثير شعر سرودن در عزاى حسينى**

**امام صادق (ع) فرمود: «كسى نيست كه براى حسين (ع) شعرى بسرايد و گريه كند يا بگرياند مگر اينكه خداوند بهشت را بر او واجب كرده و گناهانش را مى‌آمرزد» .96**

**سخنى با حسين (ع)**

**«حسين ! اى پرچم خونين حق بر دوش،**

**حسين ! اى انقلابى مرد**

**حسين ! اى رايت آزادگى در دست،**

**در آن صحراى سرخ و روز آتشگون‌**

**قيام قامتت در خون نشست، اما**

**پيام نهضتت برخاست‌**

**از آن طوفان «طف» در روز عاشورا،**

**به دشت «نينوا» ناى حقيقت از «نوا» افتاد**

**ولى ...**

**مرغ شباهنگ حقيقت ، از نواى ناله «حق ، حق » نمى‌افتد».**

**سلام بر تو ، اى حسين !**

**سلام بر خط شفقگون كربلا، كه خون تو را، اى خون خدا - همواره بر چهره افق مى‌پاشد و غروب هنگام، سرخى آسمان مغرب را به شهادت مى‌گيرد ، تا آن جنايت هولناك را هر چه آشكارتر بنماياند و چشم تاريخ را بر اين صحنه هميشه خونين بدو زد و گوش زمان را از آن فريادها تندر گونه آن عاشوراى دوران ساز، پر كند.**

**اى حسين ... اى عارف مسلّح !**

**كربلاى تو، عشق را معنى كر دو انقلاب تو اسلام را زنده ساخت و شهادت تو، حضور هميشگى در همه زمان‌ها و زمين‌ها بود.**

**اى حسين ... اى شراره ايمان !**

**اى حسين ... اى در سكوت سرخ ستم، شهر آشوب!**

**در بهت خاموشى و ترس، تلخابه فرياد را در حلقوم شب ريختى و با نامردان تبهكار ، مردانه در آويختى.**

**عاشوراى تو، انفجارى از نور و تابشى از حق بود كه بر «طور» انديشه‌ها تجلى كرد و «موسى خواهان» گرفتار در «تپه» ظلمت ظلم را از سرگردانى نجات بخشيد.**

**چه مى‌گويم؟ ... تو تاريخ را به حركت آوردى و زبان زمان را به سرودن حماسه‌هاى زيباى ايثار و جهاد و شهادت گشودى . لحظه لحظه تاريخ را عاشورا ساختى و جاى جاى سرزمين‌ها را كربلا...**

**خفته بوديم و بى خبر ... اما تو، اين «مصباح هدايت» و اى «كشتى نجات» گام خسته ما را به تلاش كشاندى و افسردگى يأسمان را به شور اميد مبدل ساختى و از سكوت و درنگ و وحشت ، به فرياد و هجوم و شجاعتمان رساندى و پاى كوفته و پر آبله ما را، تابام آگاهى و تا برج بيدارى فرا بردى. 97**

**«اى حسين » ...**

**تو كلاس فشرده تاريخى .**

**كربلاى تو، مصاف نيست‌**

**منظومه بزرگ هستى است ،**

**طواف است.**

**پايان سخن**

**پايان من است**

**تو انتهاى ندارى ...98**

**والسلام‌**

**پی نوشت‌ :**

**37 سورهء مائده , آيهء 39**

**38 ثواب الاعمال شيخ صدوق , ص 116**

**39 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 281**

**40 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 337**

**41 همان مأخذ.**

**42 همان مأخذ , ص 289**

**43 كافى , مرحوم كلينى , ج 4 ص 582**

**44 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 295**

**45 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 322**

**46 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 247**

**47 امالى شيخ طوسى , ص 55**

**48 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 101 ص 16**

**49 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 87**

**50 سفينة البحار, محدث قمى , ج 1 ص 565**

**51 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 306**

**52 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 324**

**53 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 328**

**54 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 199**

**55 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 204**

**56 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 346**

**57 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 292**

**58 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 331**

**59 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 230**

**60 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 330**

**61 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 331**

**62 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 44 ص 235**

**63 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 278**

**64 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 324**

**65 سيرهء امامان (ترجمهء اعيان الشيعه ), علامه سيد محسن امين , ص 220ـ و زندگانى چهارده معصوم ,**

**عمادزاده , ج 2 ص 137**

**66 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 323**

**67 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 195**

**68 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 252**

**69 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 549**

**70 كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 248**

**71 كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 123**

**72 امالى شيخ طوسى , ص 317**

**73 امالى شيخ طوسى , ص 319**

**74 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 4 ص 1033**

**75 كافى , مرحوم كلينى , ج 4 ص 588**

**76 كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 272**

**77 مكارم الاخلاق , طبرسى , ج 1 ص 360**

**78 كافى , مرحوم كلينى , ج 1 ص 360**

**79 تهذيب الاحكام , شيخ طوسى , ج 6 ص 74**

**80 نقل از كتاب <سيد الشهدا> آيت الله شهيد دستغيب , ص 166**

**81 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 4 ص 1033**

**82 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 4 ص 1033**

**83 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 44 ص 280**

**84 نقل از كتاب <درسى كه حسين (ع ) به ما آموخت > شهيد هاشمى نژاد, ص 451**

**85 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 393**

**86 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 44 ص 284**

**87 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 165**

**88 منتخب كامل الزيارات , ابن قولويه , ص 168**

**89 جلاء العيون , علامهء مجلسى , ص 462**

**90 بحارالانوار , علامه مجلسى , ج 44 ص 293**

**91 وسائل الشيعه , شيخ حر عاملى , ج 10 ص 397**

**92 داستانهاى شگفت , آيت الله شهيد دستغيب , ص 9**

**93 اختيار معرفة الرجال , شيخ طوسى , 89**

**94 خلاصه اى از مقالهء <عاشورا> نوشتهء جواد محدثى .**

**95 <خط خون > موسوى گرمارودى .**

**منبع:کتاب آثار و بركات امام حسین(علیه السلام)**